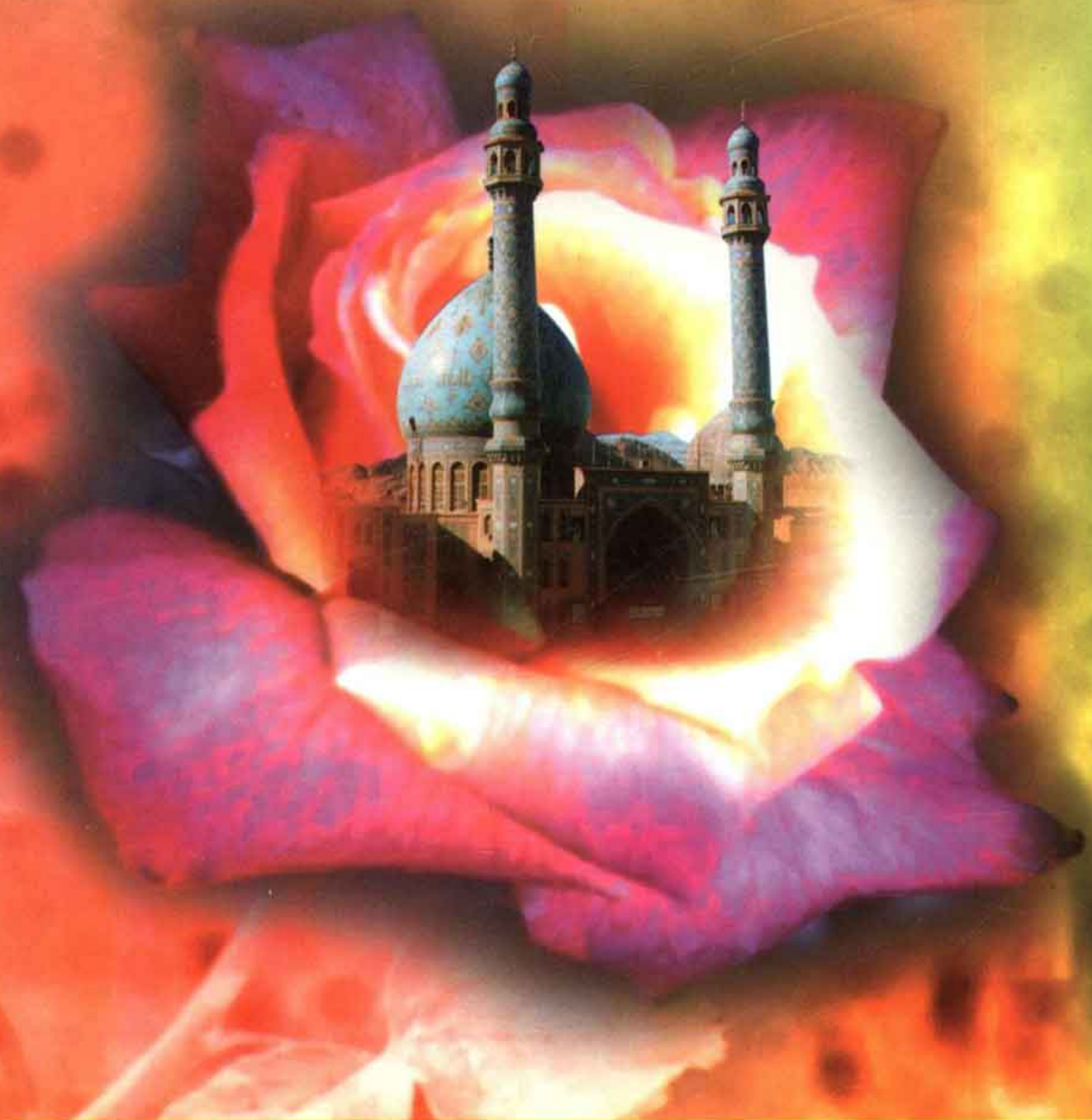


# شناخت امام زمانؑ



حسین حسین زاده اوره نطنزی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات گلهای بهشت

---

**شناخت امام زمان (عج)**

---

مؤلف: حسین حسین زاده

ناشر: انتشارات گلهای بهشت

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: زیتون

صحافی: حکیم

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۱۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

شابک: ۵ - ۱۴ - ۶۷۲۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

نشانی: قم - صندوق پستی ۳۷۹۵ - ۳۷۱۸۵

تلفن مراکز پخش: ۸۸۱۳۸۸۹ - ۰۲۵۱

همراه: ۰۹۱۳۳۶۲۱۰۷۸ - ۰۹۱۲۵۵۲۳۹۴۴

## «فهرست مطالب»

۶	..... مقدمه
۹	..... فصل اول
۹	..... رقابت برای خدمتگذاری
۱۰	..... انتظار مقدم دلدار می باید کشید
۱۱	..... در انتظار آمدنت دیده بر دریم
۱۲	..... شناخت مختصر از امام زمان(عج)
۱۳	..... محل ظهور: مکه معظمه
۱۳	..... سوره والعصر
۱۳	..... نزول سوره
۱۴	..... قسم خداوند درباره انسان
۱۴	..... جواب قسم، زیان کاری انسان
۱۴	..... استثنا از جواب قسم
۱۵	..... چگونگی تفاوت ایمان و اسلام
۱۶	..... ثواب خواندن سوره عصر
۱۶	..... آرزوی دیدار
۱۷	..... خورشید هدایت در افق سامرا
۱۸	..... امام عسکری(ع) و حکومت عباسی
۱۸	..... امام عسکری(ع) و سازماندهی سری و مخفیانه
۲۰	..... شهادت امام عسکری(ع)
۲۰	..... شهادت امام عسکری(ع) و امانت حضرت بقیه الله(عج)
۲۱	..... امام غائب و سرپرستی مردم
۲۲	..... فواید امام غائب و عالم هستی
۲۲	..... چگونگی حکومت امام زمان(عج)
۲۴	..... منتظر بودن
۲۴	..... اصول عقائد
۲۷	..... انتظار در دیگر مکاتب و ادیان: فلسفه مهدویت و انتظار
۲۸	..... مسأله انتظار منجی در جوامع غیرالهی
۲۹	..... تلاش برای ایجاد حکومت
۳۰	..... دیدگاههای سایر مکاتب
۳۱	..... تولد حضرت مهدی(عج) از دیدگاه علمای اهل سنت
۳۱	..... دیدار حضرت مهدی(عج)
۳۲	..... علل سیاسی - اجتماعی غیبت؟
۳۳	..... علت غیبت ولی عصر(عج)
۳۵	..... غیبت صغری و کبری
۳۷	..... فصل دوم
۳۷	..... ظهور مصلح جهانی
۳۷	..... ادیان و مصلح جهانی
۴۰	..... از ولادت تا غیبت کبری
۴۱	..... مولودیه نیمه شعبان
۴۳	..... نام مبارک آن حضرت
۴۳	..... پدر و مادر حضرت مهدی(عج)
۴۴	..... چگونگی سال ولادت و محل تولد حضرت ولی عصر(عج)
۴۵	..... علت غیبت آن حضرت چیست؟

۴۶	..... مؤمنین در عصر غیبت چه وظایفی دارند؟
۴۷	..... مفهوم انتظار برای آیندگان
۴۷	..... ویژگی‌های انسان منتظر؟
۴۸	..... روشهای تربیت برای نسل آینده
۵۰	..... مسجد جمکران چگونه احداث شد؟
۵۱	..... نماز امام زمان(عج)
۵۳	..... حکم داوودی حضرت صاحب الزمان(عج)
۵۴	..... زرهی یادگار بر قامتی استوار
۵۵	..... سال ۲۰۰۰
۵۶	..... حکومت حضرت مهدی(عج)
۵۸	..... جایگاه حکومت آن حضرت
۵۹	..... امام عصر و غیبت صغری
۶۰	..... دو غیبت برای امام عصر(عج)
۶۰	..... شناختی از جعفر کذاب؟
۶۳	..... فصل سوم
۶۳	..... زیباترین طلوع
۶۳	..... چهار نایب خاص امام زمان(عج)
۶۷	..... کجائی ای عزیز
۶۸	..... به ما نگفتند
۷۰	..... ظهور امام زمان(عج)
۷۲	..... حکومت جهانی ولی عصر(عج)
۷۷	..... تقلید از اسلام شناسان
۷۹	..... مهدی(عج) کیست؟
۸۰	..... وجود مقدس امام زمان(عج)
۸۲	..... در انتظار مهدی(عج)
۸۵	..... تکلیف در عصر غیبت
۸۶	..... شیخ صدوق کیست؟
۸۹	..... پیامبر(ص) و امام زمان(عج)
۹۰	..... امامت: اولین و آخرین دستور وحی
۹۳	..... فصل چهارم
۹۳	..... تشرف علی بن مهزیار به محضر مقدس ولی عصر ع
۹۵	..... تشرف علامه بحر العلوم (ره)
۹۷	..... تشرف مرحوم مقدس اردبیلی(ره)
۹۸	..... مدارج عالیّه علامه بحر العلوم(ره)
۹۹	..... مرحوم شیخ مرتضی انصاری(ره)
۱۰۰	..... شفا یافتن
	اگر قرار باشد غیبت امام زمان(ع) به خاطر حکمت‌های خاص الهی باشد، دعا کردن ما برای ظهور چه
۱۰۱	..... خاصیتی دارد؟
۱۰۴	..... چگونه با امام زمان ع رابطه برقرار کنیم؟
۱۰۹	..... شب قدر، تفسیر و بیان کارها بر ولی عصر ع
۱۱۱	..... فهرست منابع

## بنام خدا

### مقدمه

مهدی ع ، موعود راستین خداوند و هدایت کننده واقعی انسانها به طریق سعادت و سرافرازی می باشد ، اوست که با ظهور شکوهمند و قیام سراسر قدرت خود مسیر جهان را پس از سالها جهل ، ظلم به سوی حق و عدل و راستی ها تغییر خواهد داد . و اوست که با قیام ظفرمندان و ظهور جان آفرین خود ، روح تازه ای در اسلام خواهد دمید و انتقام ستمگران را خواهد گرفت . یکی از وظایف عمومی همه مسلمانان آن است که در همه موارد اول باید امام زمان خود را بشناسند و آن گاه به اطاعت او بپردازند . در این زمینه روایات زیادی وجود دارد ، کسانی که بدون شناخت امام زمان خود از دنیا بروند ، چنان است که به مرگ جاهلیت مرده باشند و هیچ رابطه و نسبتی با اسلام و آئین مسلمانی ندارند .

رسول گرامی اسلام عدم معرفت امام زمان را در ردیف شرک و الحاد و کفر خوانده اند ، انسان وقتی امام حقیقی و واقعی اش را نشناخت ، راه را گم می کند و از راه مستقیم فاصله گرفته و از هدف دور می شود.

برای این که بیراهه نرویم در اول مرحله باید بکوشیم که  
امام زمان خود را بشناسیم .

این کتاب به ابعاد گوناگون زندگانی ، قیام ، و چگونگی  
حکومت ، آن حضرت پرداخته و دارای مطالب سودمند برای  
شناخت آن امام عدالت گستر می باشد .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ. قرآن «سوره - انبیاء آیه ۱۰۵»

حسین حسین زاده اوره - نطنزی

WWW.HOSSAIN ZADEH-OUREH-NATANZI HOSSAIN.COM

## فصل اول

### رقابت برای خدمتگزاری

خدمتگزار خوب ، افراد بد ، گماشتگان بد

در تاریخ ، برهه هایی از زمان وجود دارد که مردم خواسته یا ناخواسته به سمت یک فریبکار یا یک دیکتاتور روی می آورند و او را حاکم می سازند و آن حاکم مزدور یا دیکتاتور خشن در پایان حکومتش، اقتصادی بیمار و کشوری ویران باقی می گذارد و به تاریخ می پیوندد و در عوض مردم صالحان و پارسایان را تنها می گذارند ، و تبلیغات مسموم دغل کاران افکار عمومی را به کینه تیزی علیه صالحان می کشاند و آنان را وادار به خانه نشینی یا هجرت از کشور می کند .

حضرت علی (ع) در این باره به ملت عراق آن وقت می فرماید :

« ای مردم عراق ! شما همانند زن حامله ای هستید که چون مدت حملش به سر آید ، بچه خود را مرده بیفکند و سرپرستش بمیرد و بیوه گی او مدت یابد و آن کس که به او از همه دورتر است ، میراثش را بخورد . به خدا سوگند که من به اختیار خود به نزد شما نیامدم ، بلکه حسب این که درخواست کردید و مرا سوق دادید ، به سوی شما آمدم . به من خبر رسیده که گفته اید :

« علی دروغ می بندد » . خدایتان بکشد ! به چه کسی دروغ می بندم ؟ آیا به خدا دروغ می بندم ، در حالی که من نخستین کسی هستم که او را تصدیق کردم » !

و در سحرگاه روزی که او را ضربت زدند فرمود : « همچنان که نشسته بودم ، به خواب رفتم . رسول الله بر من گذر کرد گفتم یا رسول الله از



امت تو چه ناراستی ها و کینه توزی ها دیده ام . فرمود : نفرین شان کن .  
گفتم خداوند به جای آنها به من بهتر از ایشان را دهد و به جای من بدترین  
کسان را بر ایشان گمارد . نهج البلاغه خطبه ۷۰ و ۶۹

### انتظار مقدم دلدار می باید کشید

#### السلامُ علی صاحبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ

به مردم بگو به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را  
عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گذارند از فرمایشات حضرت مهدی عجل  
به حسن بن مثله جمکرانی - قسمتی از متن کتاب

قال رسول الله ص : مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً<sup>۱</sup>

به موجب این حدیث ، کسانی که بدون شناخت امام زمان خود ، از دنیا  
بروند ، چنان است که به مرگ جاهلیت مرده باشند و هیچ رابطه و نسبتی با  
اسلام و آیین مسلمانی ندارند .

این حدیث از احادیث بسیار معتبر است و شیعه و اهل سنت بر تواتر  
آن تصریح کرده اند . از میان علمای شیعه شیخ مفید از افرادی است که در  
این باره می گوید :

این حدیث به صورت متواتر از پیامبر روایت شده است .<sup>۲</sup>

در رساله دیگری می نویسد : حدیث روایت صحیحه است و اجماع اهل  
آثار بر آن گواهی می دهد .<sup>۳</sup>

۱- ینابیع الموده ، جلد ۳ ، ص ۴۵۶ .

۲- الاقصاد ، ص ۳۸ .

۳- الرساله الاولى فی الغیبه ج ۷ ص ۱۲ .

### در انتظار آمدنت، دیده بر دریم

قسم به عصر، که پیوسته پوی و آواره ست که بر بساط زمین، آدمی  
زیانکاره ست جز آن قبيله که وابسته «تولا» یند نخفته اند و کمر بسته اند  
و با مایند مولای ما!

سال هاست که صدای سم سمند باد پایت را از نسیم جانبخش سپیده  
دمان می شنویم. هر لحظه، نبض زمین و زمان، ضرباهنگ گوشنواز، گام  
هایت را در گوش جانمان می نوازد.

هر جمعه - عاشقانه - گرد هم جمع می شویم و دیده بر در می دوزیم،  
بادا که روزی رخ زیبایت را نظاره کنیم. این جمعه - فردا - از فرط شادمانی  
زادروزت، زودتر از دیگر جمعه ها فرا می رسد تا همراه هم به استقبال جشن  
میلاادت بشتابیم. شتاب کن عزیزا که خانه دل ها برای آمدنت، دیر نیست  
چراغانیست.

ای پناه بی پناهان و ای امید مستضعفان جهان! با آن که «ابرهه»  
های دنیا، دوروبرمان را ابری کرده اند و ابر قلدرهای جهاتخوار از دور دست  
ها، بی پروا، برای میهن اسلامی ما شاخ و شانه می کشند، اما تک تک سلول  
های قلبمان آفتابیست و نیروی خورشیدی «گل نرگس» به قدری قلب های  
ما را قوت بخشیده است که ما را ازین بادها، باکی نیست.

اماما! منجیا!

شمیم شرقی ظهورت، شامه دنیا را بیدار و عطرآگین کرده است. خوب  
می دانی که ما با «تولا» می تو هر درد مردافکن را مسلمانانه تاب می آوریم و  
در انتظار دیدارت لحظه شماری می کنیم تا چشم مان به جمال دل آرایت  
روشن شود.

در انتظار آمدنت دیده بر دریم

ناگه ز در درآ، که گریبان زهم دریم

## شناخت مختصر از امام زمان عج

نام : محمد

پدر : امام حسن عسگری (ع)

مادر : نرجس

القاب : حجت ، خاتم ، صاحب الزمان ، قائم ، منتظر و از همه مشهورتر

مهدی

تولد : شب نیمه ۲۵۵ هنگام طلوع فجر

زادگاه : سامراء

غیبت صغری : از سن پنج سالگی به مدت ۶۹ سال

نمایندگان :

۱- عثمان بن سعید

۲- محمد بن عثمان بن سعید (۳۰۴)

۳- ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی (۳۲۶)

۴- ابوالحسن علی بن محمد سهری (۳۲۹)

محل اقامت نامبردگان بغداد بود و کلیه امور شیعیان و خواسته ها و نامه های آنان به وسیله این چهار نفر انجام و ردوبدل می شد و آرامگاه آنان نیز در بغداد مشهور است .

غیبت کبری : با درگذشت چهارمین نماینده از سال ۳۲۹ آغاز گردید و همچنان ادامه دارد .

نمایندگان و وظیفه مردم در دوران غیبت کبری : کسی که فقیه خویشتن دار ، مخالف هوای نفس و فرمانبر امر خداوند باشد ، او نماینده عام امام زمان (عج) است و بر دیگران لازم است از او پیروی کنند زیرا این افراد از طرف امام بر مردم حجت هستند و امام نیز از طرف خداوند بر آنان حجت است .

### محل ظهور : مکه معظمه

یاران : ۳۱۳ نفر (به عدد اصحاب بدر) افرادی که هسته مرکزی زمامداری حضرت را تشکیل می دهند و کارگزاران درجه اول انقلاب جهانی اسلام خواهند بود که از اطراف جهان به دور حضرت گرد آیند .  
روش حکومتی : براساس قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع)

شعاع و دامنه حکومت : سراسر جهان . زمین را از عدل و داد پر می کند درحالی که از جور و ستم پر شده باشد .

مرکز حکومت : مسجد کوفه - مرکز خلافت و حکومت امیرمؤمنان علی ع  
برکات حکومت : درهای خیر و برکت از آسمان به روی مردم گشوده شود ، عمرها به درازا کشد ، مردم در رفاه و بی نیازی به سر برند ، شهرها بر اثر آبادانی و سرسبزی به هم پیوسته گردند آن چنان که مسافران را به برداشتن توشه نیازی نخواهد بود و اگر زنی تنها از مشرق به مغرب رود کسی را با وی کاری نباشد .

مدت زمامداری : روایاتی که اکثراً مربوط به اهل تسنن است در این باره به اختلاف سخن گفته اند ، اما به عقیده شیعه خدا آگاه است .

### سوره والعصر

#### نزول سوره :

سوره والعصر : سیزدهمین سوره قرآن است که با سه آیه ، چهارده کلمه و شصت و هشت حرف در شهر مکه بر وجود مقدس حضرت رسول (ص) وحی شد . سوره های مکی حسب شرایط و وضعیت پیامبر (ص) در شهر مکه نازل می شد و این امر طی سیزده سال حضور آن حضرت در شهر مکه ادامه داشت .



### قسم خداوند درباره انسان

سوگند به عصر هر پیغمبری یا قسم به عصر حضرت رسول ص و یا قسم به ولی عصر عج که عصاره تمام انبیا و اولیای تاریخ بشریت است . سوگند خداوند به زمان خاص ، در موارد متعددی در قرآن وجود دارد ، مانند قسم به شب ، قسم به روز و قسم به ضحی (اول روز) اما این تعبیر که قسم به مفهوم عصر و سوره ای به این نام ، تنها در این مورد است و معنا و مقصود عصر معلوم و مشخص نیست و احتمال سه گانه فوق درباره عصر بیشتر است .

### جواب قسم ، زیان کاری انسان

جواب قسم درباره انسان است که خداوند می فرماید : به درستی که انسان در خسران و زیانکاری است . الف و لام در ، الانسان برای جنس است ، به این معنی که نوع بشر به جهت صرف عمر در امور باطل نفسانی و غفلت از محضر ربانی ، هیچ توجهی به تمام شدن زندگی خود ندارد ، بلکه مرگ و نیستی را تنها برای دیگران لحاظ می کند ، غافل از این که خود وی نیز در این سراسیمگی یک طرفه به سوی جهانی دیگر بدون بازگشت به دنیای ماده در حرکت است و چون به حیات خود توجه ندارد و اساس فلسفه زیستن را نمی داند ، خود را برای جهانی دیگر آماده نمی کند ، و این همان خاسر بودن انسان است .

### استثنا از جواب قسم

وقتی خداوند نوع بشر را در خسارت و زیان می داند ، به استثنای گروهی از آنان می پردازد و می فرماید ، مگر کسانی که ایمان آورند و کارهای درست انجام دهند و یکدیگر را به حق و بردباری توصیه کنند . کفار قریش به سرکردگی ابوجهل خطاب به پیامبر ص و یارانش می گفتند که : چون دین پدرانمان را در بت پرستی انتخاب نکردید ، زیانکارید . آن گاه

خداوند در پاسخ به این ادعا کافران فرمود: نوع بشر بدون اتصال به تعالیم وحی و آموزه های انبیاء و اوصیا در خسران و زیانکاری است، مگر آن دسته از بشر که به وحی الهی و آموزه های انبیاء ایمان بیاورند و اینان از رستگارانند.

### چگونگی تفاوت ایمان و اسلام

در بسیاری از آیات قرآن تعبیر ایمان را در آیات خطاب به مردم که ایمان بیاورید، یا خطاب به مومنان که می فرماید: ای کسانی که ایمان آوردید ملاحظه می کنید و این پرسش مطرح است که چه تفاوتی بین ایمان و اسلام وجود دارد؟ و یک تعریف خاص چه تفاوتی بین مومنین و مسلمین است؟

ایمان امری باطنی و قلبی است، که در رفتار و گفتار مومن تجلی می کند، ولی اسلام امری ظاهری و لسانی است، یعنی اگر کسی ادعا کند که مسلمان است و شهادتین هرچند به زبان دیگر بگوید مسلمان می شود و بعد از مسلمان، حسب ظاهر بدن، آب دهان و عرق او پاک است، ولی ایمان به توحید ربوبی، عدل الهی، نبوت نبی ص، امامت وصی ع و معاد آخرت امری باطنی و قلبی است و به هیچ وجه قابل سنجش با گفتار و ادعا نیست، بلکه تنها دلیل اثبات ایمان به عملکرد شخص در طول زندگی شخصی و اجتماعی او برمی گردد.

مومنین واقعی کسانی هستند که قانون مندی کردار و گفتار آنان براساس و مبانی رفتاری و گفتاری، که توسط حضرت رسول ص و اوصیای او تبیین شده است و به شیوه استنتاج و استنباط علمی از آن مبانی و اصول در عصر غیبت به دست آمده است مستقر باشد و هر اندازه از این تعریف در عمل فاصله بگیریم، ایمان خود را به سستی و ضعف کشانده ایم.

جالب این جاست که کفار برای تسلط بر جامعه ایمانی مومنین ، ابتدا با تزییق و تبلیغ فرهنگ خود آنان را از ایمان تهی می سازند و بعد از آن که جامعه مومنین به جامعه مسلمین تنزل یافت ، با یک حمله نظامی نه چندان سخت یا از طریق مهره سازی عناصر نفاق پیشه حاکمیت جامعه را در اختیار می گیرند و نزاع را بین مسلمانان از طریق همین عناصر مسلمان غیرمومن شعله ور می سازند و خود به چپاول منابع اقتصادی ، فرهنگی و علمی جامعه مسلمانان می پردازند و تمام درآمدها و رفاه اقتصادی را برای جامعه خود به یغما می برند .

### ثواب خواندن سوره عصر

از پیامبر اسلام ص روایت شده است هر کسی که سوره والعصر را تلاوت کند ، حق تعالی او را بیامرزد و از جمله کسانی باشد که به حق و صبر وصیت کرده باشد . همچنین در روایتی آمده : خداوند ختم امر او (تلاوت کننده سوره عصر) را به صبر کند و در روز قیامت وی را با صابران و اصحاب حق محشور نماید .

از امام صادق نقل شده است : هر که سوره والعصر را در نوافل قرائت کند ، حق تعالی در روز قیامت او را خندان و چشمانش را روشن و روی او را درخشان گرداند و به همین صورت وی را به بهشت در آورد .

### آرزوی دیدار

در کنار پنجره نشسته ام و به آن خیره گشته ام ، به امید روزی هستم که تو بیایی .

به امید روزی که همه این غمها و ناامیدی ها ، جای خود را به شور و شمع و شادی بدهند . به روزی می اندیشم که با آمدن تو ، گل های پژمرده دوباره جان بگیرند و برگ هایشان را با خوش حالی تکان دهند و به روی همه لبخند زنند .

آن وقت خواهد رسید که دوباره دست های نامرئی سعادت ، روی دیوارها کشیده شوند و به آن ها رنگ تازه ای بخشند .

روزی که دیگر ، خورشید با حجابی از غم که چهره اش را پوشانده است آسمان را وداع نگوید . روزی که دیگر ، گردهای ماتم و اندوه روی خانه ها دیده نشود و روزی که همه جا از عدل و داد پر شود . بیا و به همه کابوس ها پایان ببخش .

آری همه ما هر روز تو را صدا می زنیم و از تو می خواهیم که بیایی .  
به سوی دریا چشم می دوزیم و صدایش را می شنویم که مثل همیشه آرام آرام موج هایش را به شن ها می سپارد .

اما در تصور روزی هستم که وقتی بیدار می شوم و چشم هایم را می گشایم و به آسمان می نگرم ، خورشید دیگر غمگین نیست و دیگر نمی خواهد تا با فرو ریختن همه گرمایش ، ذوب شود .

آری بیا و با چشمان پر امیدت به ما نظر کن ، تا من نیز همراه پرندگان که نغمه سرایی می کنند ، آواز بخوانم و همراه بید ، موهایم را به نسیم بسپارم و همراه دیگران لبخند زنم ، پس کی خواهی آمد؟

### خورشید هدایت در افاق سامرا

هشتم ربیع الاول ، سالروز شهادت حضرت امام حسن عسگری ع است آن امام سترگی که وارث نبوت و امامت و کامل کننده حلقه نورانی ولایت است .

او استاد دانشمندان و پیشوای عبادت کنندگان و رهبر سیاسی گروه های مخالف بود و پیروانش از صمیم قلب به ایشان علاقه مند بودند و این درحالی بود که ترس و وحشت ، همه جا را فرا گرفته و دشمنی با اهل بیت ، امام و اصحابش ادامه داشت و حکام بر آنها مسلط بودند و آن ها را به زندان می انداختند . سیاستی که حاکمان عباسی در طول مدت زمامداری خود در پیش گرفته بودند .



مبتنی بود بر زور و قلدری و ایجاد رعب در میان مخالفان به طور عام و علوی ها به طور خاص و از زمان منصور دوانیقی که موضعگیری جدی در مقابل امام صادق ع داشت تا زمان معتمد که همزمان با حیات امام عسگری ع بود و از سال ۱۳۶ تا ۲۰۶ هجری به درازا کشید ، همین سیاست حاکم بود .

### امام عسگری ع و حکومت عباسی

روشن است که شئون رهبری و سیاست از بارزترین مسائل مهم امامت در اسلام است . لذا پیشوایان خاندان رسالت از امام علی بن ابی طالب تا امام حسن عسگری ع همواره تشکیلات مخالف با قدرت های حاکم را به وجود آوردند و پرچم دعوت به قرآن و سنت رسول الله و رعایت دقیق آنها در عمل ره به دوش کشیدند و روشهای مختلفی را برای مقابله با انحرافات فکری و کج روی آنها در پیش گرفتند .

شیوه فعالیت‌های سیاسی و خط مشی ائمه و مخصوصاً امام حسن عسگری ع بدین شرح بود تکیه بر موعظه و نصیحت زمامداران و آگاه نمودن همه امت و توجه دادن علمای وابسته به دستگاه حاکمه که با زمامداران همکاری داشتند و نیز اقدام به برچیدن ظلم و ستم از جامعه اسلامی ، حمایت همه جانبه از انقلابهای علویان و تمام انقلابهایی که برای اصلاح اوضاع سیاسی - اجتماعی و فکری است به وقوع می پیوست ، فعالیت‌های سری و مخفیانه .

### امام عسگری و سازماندهی سری و مخفیانه

روش خلفای بنی عباس این بود که از پیشوایان اهل بیت ع درخواست کنند از مدینه منوره که مرکز علم و دین بود به بغداد و سامرا و خراسان منتقل شوند ، برای این که تحت نظر مأمورین و جاسوسان قرار بگیرند و حکام خودکامه به فعالیت‌های فکری و سیاسی آنها احاطه و آگاهی داشته باشند تا بتوانند آنها را از پایگاه ملی و مردمی و یاران علاقمندشان جدا کنند.

چنان که حکومت‌های عباسی، پدران او را تحت تعقیب قرار دادند و آنها را به زندان افکندند و اطراف آنها جاسوس و مأمور و مراقب گذاشتند و تا امامت امام حسن عسگری ع که برای آن حضرت مراقب گماشتند تا حرکات او زیر نظر داشته و فعالیت فکری و سیاسی او را سست کنند و از پرداختن آن حضرت به نقش رهبری در میان امت جلوگیری نمایند از همین رو امام عسگری ع به فعالیت پنهان پرداخت و پیروان و هواداران خود را سازماندهی کرد.

اسناد تاریخی فراوانی در دست است که از این روشها با شرح و تفصیل و به صورتی روشن گفت و گو می کند محمدبن عبدالعزیز بلخی می گوید: یک روز صبح در خیابان نشسته بودم ناگهان دیدم امام حسن عسگری از منزل خارج شده به طرف بارگاه خلیفه می رود در همین حال با خودم گفتم: اگر فریاد بزنم و بگویم: ای مردم! این حجت خدا در میان شماست، او را بشناسید، آیا مرا می کشند؟

وقتی امام به من نزدیک شد، درحالی که انگشت مبارکش را بر زبان گرفته بود به من اشاره فرمود که: ساکت باش! در همان شب حضرت را ملاقات کردم و به من فرمود: یا کتمان است یا کشته شدن! ولی تو مواظب خودت باش و خود را حفظ کن.

امام حسن عسگری مثل پدران بزرگوارش وارد جنگ سیاسی شد تا با ظلم و ستم دستگاه حاکم مبارزه کند و جو رعب و وحشت را درهم شکند و نظام جائر حاکم را از بازیچه قراردادن حکومت و مصالح امت اسلامی باز دارد.

این بزرگان در یک پیکار فکری و اعتقادی و نیز به خاطر حفظ اصالت و طهارت آئین مقدس اسلام و بقای اصول و ارزشهای این مکتب الهی به مشابه رکن مهمی از ارکان خداداد، رهبری و امامت به مبارزه و رویارویی دست بازیدند و برای دستیابی به این هدف والا و مهم رنج طولانی را تحمل نموده

بهای سنگینی پرداختند ، آنان تهمت و افتراها ، تعقیب و مراقبتها ، زندان ها و شکنجه ها و بالاخره شهادت در راه آرمانهای مقدس خویش را با دل و جان پذیرا شدند .

### شهادت امام حسن عسگری (ع)

در سامرا و در روز جمعه مصادف با وقت نماز صبح رخ داده است . البته نقل شده است که امام ع در اولین روز از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری بیمار شد و هشت روز در بستر بیماری بود و آن گاه به شهادت رسید به این ترتیب آن حضرت ۲۹ یا ۲۸ سال در جهان زندگی کرد ، آن حضرت در طول مدتی که عهده دار امامت و خلافت شیعیان بود ، اواخر حکومت معتز و همچنین ۱۱ ماه از حکومت مهتدی را درک کرد و پس از گذشت پنج سال از روزگار خلافت معتمد دنیا را وداع گفت و در خانه اش در سامراء و در جوار قبر پدرش به خاک سپرده شد .

### شهادت امام حسن عسگری و امامت حضرت بقیه الله

بعد از پدر بزرگوارش امامت به ایشان منتقل شد و آن حضرت از ترس دشمن مجبور به غیبت شد ، ولی در مدت هفتاد و چهار سال خواص شیعه با حضرت تماس داشتند . تماس حضوری ، تماس مکتوب ، تماس با واسطه وکلای آن حضرت . در آن هفتاد و چهار سال از طرف آن بزرگوار چهار نفر به منصب وکالت خاصه منصوب بودند که حضرت غالب کارها را به واسطه آنان انجام می داد . که این چهار نفر مورد اعتماد ائمه طاهرین و بزرگان شیعه بوده اند که توضیح داده می شود .

بعد از هفتاد و چهار سال نامه ای از امام ع برای علی بن محمد سیمری آمد که فرموده بود : همین چند روزه از دنیا می روی ، نیابت خاصه تمام شد و از این به بعد نوبت غیبت کبری است . از این جهت آن هفتاد و چهار سال را غیبت صغری نامیده اند .

به خاطر این که امر امت اسلامی نباید تعطیل شود ، زمام امور را به دست مجتهد جامع شرائط دادند . و در توقیعی که برای ثقه الاسلام کلینی صاحب کافی از طرف امام زمان ع نوشته شده بود و آن توقیع را کلینی و صدوق در کتب اربعه نقل کرده اند .

وَأَمَّا الْخَوَاتِمُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ  
أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ .<sup>۱</sup>

و اما پیشامدهایی را که باید به من مراجعه کنید به روایان احادیث ما مراجعه کنید . زیرا آنان از طرف من حجت بر شما هستند چنان چه من حجت بر شما از طرف خداوند می باشم .

و روایات زیادی از امام صادق ع و ائمه صادر شده است و آن حضرت نیز امر امت اسلامی را موقعی که دسترسی به امام معصوم نباشد به دست مجتهد جامع شرائط داده اند و مردم وظیفه دارند در امور دینی و احکام از مجتهد پیروی نموده تا مورد عنایت و الطاف خداوندی قرار گیرند .

### امام غائب و سرپرستی مردم

همانا ما شما را بی سرپرست نگذارده ایم و مراعات شما را می کنیم ، مواظب شما هستیم و شما را به یاد داریم و اگر نبود که ما شما را حافظ هستیم دشمن شما را نابود کرده بود . حضرت امام دوازدهم واسطه فیض در عالم هستی است و نعمتی بزرگ برای مردم مسلمان و شیعیان محسوب می گردد . وجودش نگهدار شیعه و قرآن است .

### فوائد امام غایب و عالم هستی

روایاتی از رسول اکرم و امام صادق و امام دوازدهم است که سنوالم می شود امام غایب برای دنیای هستی چه فایده دارد ؟ جواب می دهند : امام



غایب/مانند خورشید زیر ابر است . چنان چه خورشید زیر ابر مفید برای عالم ماده می باشد . گرچه مردم از آفتاب آن محروم هستند . این چنین است وجود امام غایب . امام دوازدهم محور و مرکز همه جهان وابسته به او و او همه جهان وابسته به ذات خدا است .

ما اگرچه از آفتاب علم و فضایل امام زمان محروم هستیم ولی وجود ما ، وجود آسمان و زمین وجود عالم هستی وابسته به اوست . در زیارت آن حضرت می خوانیم . به واسطه وجود مقدس او به عالم هستی فیض داده می شود و به واسطه او آسمان و زمین پابرجا است .

در روایات فراوانی در وصف امام ع آمده است : اگر حجت خدا نباشد زمین پابرجا نخواهد بود .

### طول عمر

خداوند عمر او را طولانی می کند پس او را به واسطه قدرتش ظاهر می کند ، بر جهان غلبه می دهد به صورت جوانی کمتر از چهل سال این کار برای این است که دانسته شود خداوند قادر است .

### چگونگی حکومت امام زمان ع

حکومت امام ع حکومتی پربرکت و مبارک می باشد و با فضیلت است و سرانجام این که یک حکومت صددرصد مطلوب برای انسان هاست . انسان با فضیلت می تواند سه آرزو داشته باشد تسلط او بر جهان ، انتشار حقیقت در جهان ، رفع هرگونه نارسائی از جهان ، در این زمینه در قرآن کریم و روایات معصومین دلائل فراوان وجود دارد که با مراجعه به قرآن و آیات مربوطه روشن خواهد شد .

در قسمتی از سوره اعراف می خوانیم ، وعده داده است خدا افراد شایسته ای را که ایمان دارند و اعمال شایسته می کنند به این که حکومت جهانی می یابند چنان چه حکومت یافتند افرادی که قبل از آنان بوده اند . و

حتماً دین آنان که مرضی آنان است جهانی شود و امنیت ، فضیلت ، انسانیت ، جای ناامنی ها ، نارسائی ها را بگیرد .<sup>۱</sup>

و عده خداوند هیچ تخلف ندارد ، این وعده خدا است برای مهدی و یاراننش ، برای شیعه ، برای افراد شایسته ، و برای انسان های منتظر فرج و سرانجام حکومت مهدی این است . آن چه از روایات و آیات به دست می آید فراوان است که بعضی از آن را ذکر می نمایم .

۱- غلبه حق بر باطل و نابودی دشمنان خدا

۲- غالب شدن اسلام بر جهان که اسلام جهانی و فراگیر خواهد شد

۳- روز ظاهر شدن عدل و انصاف و عدالت و ارزش های معنوی و

امنیت فراگیر

۴- ظاهر شدن برکات و خوبی ها و روز ظهور نعمتهای پروردگار

۵- روز ظهور علم برای همه انسانها

۶- روز ظهور و تکامل انسان از لحاظ عقل و فکر و این که مردم به

نهایت علم به وسیله فکر و دانش می رسند .

۷- و زمان تهذیب نفس برای انسانها

۸- روز نابود شدن و از بین رفتن فقر و بی نیازی فردی و اجتماعی

۹- روز از بین رفتن گناهان و فواحش از جهان

۱۰- روز غالب شدن ضعیفان بر مستکبرین

و در روایات داریم که حکومت امام دوازدهم تا قیامت ادامه خواهد

داشت . این بحث در کتابهای کلامی شیعه بحث رجعت نامیده شده که بسیار

مفصل و طولانی است .

۱- اعراف ، قسمتی از آیه ۷۱ .

### منتظر بودن

از نظر جامعه شناسی و روان شناسی انتظار فرج از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از جامعه شناسان این طور می گوید: اگر شیعه توانسته بماند و دوام بیاورد و سرانجام جهان را مسخر سازد به خاطر منتظر بودن است.

قرآن انتظار فرج را این طور بیان می نماید: وعده داده است خداوند که افراد شایسته را حاکم بر زمین نماید. همانا زمین از آن خدا است. به ارث می دهد به هر که از بندگانش که بخواهد و عاقبت خوش فقط از آن پرهیزکاران است.<sup>۱</sup>

ما در زبور داود علاوه بر قرآن نوشته ایم که بندگان شایسته بالاخره حاکم بر این زمین خواهند شد.<sup>۲</sup>

بنابراین آیات قرآن به ما می گوید کسی می تواند وارث این زمین شود که بنده شایسته و با تقوی باشد و کسی که بنده شیطان و فاسق و فاجر و متجاوز باشد مصداق آیات نخواهد بود.

### اصول عقائد

اصول عقائد بر ۲ چیز پابرجاست. اول قرآن، دوم سنت بنی و روایات پیامبر اکرم: درباره شناخت امام زمان دلائل بسیار قوی است که صحبت از یک حدیث، و یک آیه نیست. در مورد روایات هم فراوان آمده است. مختصراً اشاره می نمایم.

۱- در این موضوع که امام زمان را همه کتب آسمانی بشارت داده اند به ظهورشان و قیامشان و خروجشان حدیث زیاد وارد شده است از پیامبر و ائمه اطهار در کتب شیعه و سنی ها و روایات معتبر دیگر.

۱- اعراف آیه ۱۲۸.

۲- انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- پیامبر فرمود: اگر یک روز هم از دنیا باقی باشد باید مهدی ع ظهور نماید.

۳- در باب این که مهدی ع باید از اهل بیت و ذریه پیامبر باشد احادیث فراوانی وجود دارد.

۴- آن حضرت شباهتش از لحاظ گفتار و کردار و افعال به پیامبر است

۵- او از فرزندان امام علی ع و حضرت زهراى اطهر می باشد احادیث فراوان وجود دارد.

۶- در این که او از سلب ائمه اطهار است احادیث زیادی وجود دارد و در این که حتماً نام پدر آن بزرگوار امام حسن عسگری است هم روایات زیادی نقل شده است.

۷- و در این که او فرزند سیده بردگان و بهترین آنان است، چون خانم نرجس شاهزاده رومی بود که در جنگ مسلمانها با روم شاه زاده ها دستگیر شدند به عنوان برده آنها را آوردند بغداد حضرت امام علی النقی به یکی از اصحاب پول داد که برو در برابر فلان کشتی، فلان ساعت و روز، زمان که لنگر می اندازد به ایست، همه بردگان را که فروختند تو می روی یک نفر باقی می ماند حاضر نیست فروخته شود به کسی به هر مبلغی که گفت او را می خری و با کمال افتخار و احترام او را نزد من می آوری، وقتی آمد آن را وی از طرف امام علی النقی دید اربابش می گوید ۱۰ هزار دینار او را خرید و نرجس را با خود برداشت و آورد به بغداد و از آن جا به سُرَّ مَنْ رَای رفت او را آزاد کرد و بعداً به عقد امام حسن عسگری ع درآمد، حالا نرجس هم قبلاً خوابهائی دیده بود در مورد آینده خود که مورخین آن را نقل نموده همسر امام یازدهم شد، اما سابقه بردگی داشت امام دهم او را آزاد فرموده بود و او بهترین بردگانی بوده که امام دهم او را آزاد کرده است.



۸- در این که امام دوازدهم آخرین امام و پیشوای شیعیان ، و در این که او جهان را صالح می کند و برای او دو غیبت وجود دارد یکی کوتاه و دیگری بزرگ ، و در این که برای او غیبت طولانی است تا زمانی که خداوند اذن بدهد برای خروج کردن ، و در این که او عمر طولانی دارد و دیگر این که او دارای چهره جوانی است همیشه و به مرور زمان پیر نمی شود .

۹- او امر خداوند را اعلان می کند ، دین حق را ظاهر می کند ، و به نصر و یاری خداوند موید می شود ، ملائکه آسمان او را کمک می کنند ، اسلام را در جهان توسعه می دهد ، تمام زمین را طراوت می بخشد و عدل و احسان جهان را فرا می گیرد . و جهان را صالح می کند .

۱۰- مردم را سوق می دهد به سوی قرآن و هدایت و سنت پیامبر و عدالتش در حد اعلا است و امنیت و راحتی در حکومتش وجود دارد در همه جهان ، و ثروت عمومی را به مساوی تقسیم می کند .

۱۱- و در این که ظهور نمی کند مگر بعد از امتحان شدن مردم و واقع شدن مومنین در مضائق و مصائب شدید و بلاهای بزرگ و مومنین در فشار شدیدی قرار می گیرند ، و کسانی هم او را دیده اند در زمان پدر بزرگوارش چون راوی می آمد خدمت امام عسگری ع عرض می کرد آقا شما جانشین دارید ؟ خداوند به شما اولاد پسر داده ؟ حضرت ساکت می شد سائل هم دیگر سؤال نمی کرد . چند لحظه ای می گذشت یکنفر بلند می شد می رفت ، حضرت می فرمود این آقا جاسوس متوکل و معتصم عباسی بود جلوا و ساکت شدم بله من جانشین دارم فرزند دارم چهار سال است به دنیا آمده است برو داخل این اطاق فرزند من میم - ح - میم - دال است که هم اسم خاتم پیامبران است .

۱۲- درباره کسانی که در غیبت صغری فائل شده اند به زیارت ایشان و خوشا بر احوال آنها و کسانی که در غیبت کبری بعد از ۷۴ سال که غیبت صغری تمام شد و درباره آن روایاتی که می گویند قبل از ظهور حضرت

قیمتها فوق العاده بالا رفته ، و بیماری ها فراوان ، واقع شدن قحطی و گرسنگی ، جنگهای بزرگ و آشوبهای فراوان و فتنه های زیاد که اینها همه از علائم ظهور می باشد ، در جنگ جهانی دوم ۵۰ میلیون به قتل رسیدند .

۱۳- و هیچ کسی هم نمی داند چه زمانی ظهور می نمایند ، و با دست او مشرق و مغرب زمین زیر پرچم توحید در می آید ، تمام اهل زمین مطیع آن امام می شوند و بعد از ظهور پرستشی غیر از خداوند نیست ، و باطل از میان می رود . و تمامی برکات زمین و آسمان ظاهر می شود ، و ۳۱۳ نفر در یک آن همه از اطراف عالم دورش را می گیرند که همان ۳۱۳ نفری است که در جنگ بدر اطراف اصحاب پیامبر را گرفتند .

۱۴- زمین پر از عدل و داد گردیده و کارهای مردم آسان و عقول آنها کامل می شود و در این که کسی قائم ع را انکار کند فعل درامی را مرتکب گردیده است ، و در این جاست که انتظار فرج دارای فضیلت فراوان است و تنها کسی که می تواند در آینده جهان را صالح نماید وجود اقدس حضرت حجت ابن الحسن العسگری صلوات الله علیه است ، انتظار فرج بهترین عبادت است .

### انتظار در دیگر مکاتب وادیان : فلسفه مهدویت و انتظار

طبق مطالعه و تحقیقی که در سایر ادیان داشتم متوجه شدم مساله انتظار برای آینده ای بهتر و براساس عدل و حقیقت اصولاً ریشه فطری دارد . فطرت و وجدان آدمی قبول نمی کند که سرانجام این جهان و حیات انسانی ، شر و زشتی و پلیدی باشد . شما اگر به عهد عتیق و عهد جدید که کتب مقدس یهودیان و مسیحیان است مراجعه کنید ، می بینید در این کتاب ها مطالبی آمده که نشان می دهد آنان نیز منتظر یک منجی کل هستند که از جانب خدای متعال بیاید و عدالت را در زمین برقرار سازد .

در کتاب «باسک» که از کتب مقدس هندیان است نیز مسأله ظهور یک پادشاه عادل مطرح شده است. کتاب دیگر هندیان، کتاب «دید» است در آن جا نیز این مسأله مطرح شده است.

همچنین در کتاب «دادتک» که از کتب مقدس برهمنیان هند است، همین مسأله انتظار منجی، آمده است. در مطالعات که صورت گرفت به این نکته برخورد کردم و دیدم جاماسب در جاماسب نامه از قول زردشت پیامبر، نقل می کند که عاقبت شخصی از جانب خداوند مأمور خواهد شد و عدالت و حق را بر زمین اقامه خواهد کرد.

در کتب دیگر زردشتیان مثل «زند» نیز این مسأله آمده است.

### مسأله انتظار منجی در جوامع غیرالهی

چون مسأله نجات کلی و عدالت جهان، یک آرمان فطری و مطلوب وجدانی برای همه است، بسیاری از جوامع دیگر اعم از دینی و غیردینی در فرهنگ خودشان این مسأله مهم را مطرح کرده اند. مثلاً ایرانیان باستان عقیده داشتند، شخصی به نام (گرازاسپه) عاقبت ظهور خواهد کرد. نژاد ژرمن نیز از میان خود کسی را به عنوان موعود جهانی عقیده داشته اند. اهالی صربستان منتظر شخصی به نام «مارکوکریویچ» به عنوان منجی جهانی هستند.

ساکنان برخی از جزایر انگلستان منتظر شخصی به نام «آرتور» هستند. یهودیان منتظر فردی به نام «ماشیع» هستند.

این ها نشان می دهد مسأله مهدویت و انتظار موعود جهانی، مسأله ای اصیل و پایدار است.

### تلاش برای ایجاد حکومت

عقل به ما می گوید انسان مومن بایستی همواره در جهت برقراری حکومت ایمانی و دینی تلاش کند. لذا اصولاً معقول نیست انسان، بنده خدا

باشد و در عین حال حکومت طاغوت را بپذیرد و لذا در زمان غیبت امام زمان (ع) نیز ما باید همواره تلاش کنیم حکومت خدا را به میزان وسع و توانایی خود برقرار کنیم .

بعضی از نویسندگان و کج اندیشان همیشه تلاش دارند مفاهیم دینی را از معنای اصلی خود خارج کنند و معنای تحریف شده و منفی ای برای آن ها در اذهان مردم ترسیم نمایند . مثلاً مفاهیم صبر ، انتظار ، عزاداری برای اهل بیت و ... از این قبیل . در حالی که اگر با انصاف و بدون از ذهنیت های منفی قضاوت کنیم ، هر یک از این مفاهیم می توانند جنبه مثبت داشته باشند و همین معنا مقصود و مراد شارع بوده و هست ، مفهوم انتظار به این معناست که ما همواره امیدوارا به آینده ای روشن فراروی حرکت امت اسلامی باشیم .

مسئله امید بسیار مهم و اساسی برای استمرار و تداوم یک نهضت و حرکت است ، در فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن ، نقطه کور وجود ندارد . خداوند وعده داده است که عاقبت کار از آن مومنان است . این خود بسیار مهم و محرک است که اهل ایمان همواره بدانند سرانجام جهان ، خوبی و پاکی و نور و نشاط دینی است .

ما امروزه در میان مکاتب و فلسفه ها ، دیدگاه های متنوع و متعددی داریم . نوع این دیدگاه ها بر می گردد به طرز جهان بینی و نگرش به عالم و آدم . برخی از فیلسوفان همه هستی را شر می دانند . روی این اساس ، عاقبت جهان نیز جز شر و ناپاکی چیز دیگری نیست .

روشن است که این دیدگاه ، جز یأس و نومیدی برای آدمی به ارمغان نمی آورد . کسی که با این فلسفه و بینش به جهان و حیات و زندگی می نگرد ، عاقبت انتحار و خودکشی را بهترین راه آرامش و سعادت می بیند ! اما اسلام با طرح این مسأله انتظار و امید به فردایی روشن و بهتر ، به آدمی امید می دهد و او را به حرکت و پویایی مدام و مستمر وا می دارد .

## دیدگاههای سایر مکاتب

برخی مکاتب مثل کمونیست ها و مارکیست ها با طرح مسأله تضاد و دیالکتیکی ، فلسفه تاریخ را جدال و نزاع و کشمکش مستمر می دانند . البته آن ها مطرح کرده اند که عاقبت ، جامعه بی طبقه سوسیالیستی پدید خواهد آمد ، اما طرح و ایده آنان فقط جنبه شعاری داشت و دیدیم که وعده های آنان خلاف واقعیت درآمد .

برخی مانند « ژان پل سارتر » در فلسفه اگزیستانسیالیسم ، ماهیت و هویت روشن برای انسان را انکار می کنند و می گویند انسان موجودی متحیر و سرگردان است که در این دنیای پیچیده رها شده و معلوم نیست چه سرانجامی خواهد داشت .

برخی مانند « برتراند راسل » ، با بینش و جهان بینی ماتریالیستی ، جهان و حیات آدمی را در ماده و مادیات خلاصه می کنند و روشن است که ماتریالیسم در حقیقت جز پیام پوچی و تحیر و فنا و نابودی سخن دیگری برای انسان ندارد .

اسلام در کنار این دیدگاه های یأس آلوده و ناامید کننده ، با مسأله انتظار مهدی موعود (ع) حرکت و حیات انسانی را سرشار امید می کند و به انسان نیرو می دهد که همواره برای رسیدن به آینده ای بهتر تلاش کند و از هیچ کوششی باز نایستد .

## تولد حضرت مهدی ع از دیدگاه علمای اهل سنت

اعتقاد به موضوع مهدویت اختصاص به شیعه ندارد ، بلکه براساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم ص رسیده ، علمای اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند .

ولی آنان نوعاً تولد حضرت مهدی را انکار می کنند و می گویند : شخصیتی که پیامبر اسلام از قیام او (پس از غیبت) خبر داده ، هنوز متولد نشده است و در آینده تولد خواهد یافت !

با این حال تعداد قابل توجهی از مورخان و محدثان اهل سنت . تولد آن حضرت را در کتب خود ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته اند . بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان معرفی کرده اند .

### دیدار حضرت مهدی

از آن جا که حکومت ستمگر عباسی به منظور دستیابی به فرزند حضرت امام حسن عسگری ع و کشتن او ، خانه امام را سخت تحت کنترل و مراقبت قرار داده بود ، تولد حضرت مهدی ع براساس طرح دقیق و منظمی که پیشاپیش ، از سوی امام در این مورد ریخته شده بود ، کاملاً به صورت مخفی و دور از چشم مردم (و حتی شیعیان) صورت گرفت .

مستندترین گزارش در این زمینه ، از طرف « حکیمه » عمه حضرت عسگری ع رسیده که از نزدیک شاهد تولد حضرت مهدی ع بوده است . امام باید توجه داشت که این پنهان کاری به آن معنا نیست که بعدها یعنی در مدت ۵ - ۶ سال آغاز عمر او ، که امام یازدهم در حال حیات بود ، کسی آن بزرگوار را ندیده بود ، بلکه افراد خاصی از شیعیان در فرصت های مناسب و گوناگون به دیدار آن حضرت نایل می شدند تا به تولد و وجود وی یقین حاصل کنند و در موقع لزوم به شیعیان دیگر اطلاع دهند .

دانشمندان ما جریان این دیدارها را به صورت گسترده گزارش کرده اند ، ولی شاید مهمترین آن ها دیدار چهل تن از اصحاب اما عسگری ع با آن حضرت باشد که تفصیل آن بدین قرار بوده است :

« حسن بن ایوب بن نوح » می گوید :

ما برای پرسش درباره امام بعدی ، به محضر امام عسگری ع رفتیم . در مجلس آن حضرت چهل نفر حضور داشتند . عثمان بن سعید عمری (یکی از وکلای بعدی امام زمان) به پا خاست و عرض کرد : می خواهم از موضوعی سؤال کنم که درباره آن از من داناتری . امام فرمود : بنشین ، عثمان با



ناراحتی خواست از مجلس بیرون نرود . کسی بیرون نرفت و مدتی گذشت . در این هنگام امام عثمان را صدا کرد ، او بپا خاست حضرت فرمود : می خواهید به شما بگویم که برای چه به این جا آمده اید ؟ همه گفتند : بفرمایید . فرمود : برای این به این جا آمده اید که از حجت و امام پس از من بپرسید ؟ گفتند : بلی در این هنگام پسری نورانی همچون پاره ماه که شبیه ترین مردم به امام عسگری ع بود وارد مجلس شد حضرت با اشاره به او فرمود : این امام شما بعد از من و جانشین من در میان شما است . فرمان او را اطاعت کنید و پس از من اختلاف نکنید که در این صورت هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد .

### علل سیاسی - اجتماعی غیبت ؟

شکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سر منزل کمال مطلوب است و این امر در صورتی میسر است که آن ها آمادگی بهره برداری از این هدایت الهی را داشته باشند .

اگر چنین زمینه مساعدی در مردم وجود نداشته باشد ، حضور پیشوایان آسمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت . متأسفانه فشارها و سخت گیری های که مخصوصاً از زمان امام جواد ع به بعد بر امامان وارد شد و محدودیت های فوق العاده ای که برقرار گردید به طوری که فعالیت های امام یازدهم و دوازدهم را به حداقل رسانید نشان داد که که زمینه مساعد جهت بهره مندی از هدایت ها و راهبری های امامان در جامعه در حد نصاب لازم وجود ندارد . از این رو حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم ، به تفصیلی که خواهیم گفت ، غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید .

البته همه اسرار غیبت بر ما روشن نیست ولی شاید نکته ای که گفتیم رمز اساسی غیبت باشد .

در روایات ما ، در زمینه علل و اسباب غیبت ، روی سه موضوع تکیه شده است :

### علت غیبت ولی عصر عج

#### الف - آزمایش مردم

چنان که می دانیم یکی از سنت های ثابت الهی ، آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است . صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعداد های نهفته آنان شکوفا گردد . در اثر غیبت حضرت مهدی ، مردم آزمایش می شوند گروهی که ایمان استواری در اعماق قلبشان ریشه دوانده است به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر شدائد ، پخته تر و شایسته تر می گردند و به درجات بلندی از اجر و پاداش الهی نایل می گردند .

امام موسی بن جعفر فرمود : هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد ، مواظب دین خود باشید ، مبادا کسی شما را از دین خارج کند . او ناگزیر غیبتی خواهد داشت ، به طوری که گروهی از مومنان از عقیده خویش برمی گردند . خداوند به وسیله غیبت بندگان خویش را آزمایش می کند .

از گفته های پیشوایان اسلام بر می آید که آزمایش به وسیله غیبت حضرت مهدی ، از سخت ترین آزمایش های الهی است .

و این سختی از دو جهت است :

۱- از جهت اصل غیبت : که چون بسیار طولانی می شود بسیاری از مردم دستخوش شک و تردید می گردند ، برخی در اصل تولد و برخی دیگر در دوام عمر حضرت شک می کنند و جز افراد آزموده و مخلص و دارای شناخت عمیق ، کسی بر ایمان و عقیده به امامت آن حضرت باقی نمی ماند .

پیامبر اسلام ضمن حدیث مفصلی می فرماید: مهدی از دیده شیعیان و پیروانش غایب می شود و جز کسانی که خداوند دل های آنان را جهت ایمان، شایسته قرار داده است، در اعتقاد به امامت او استوار نمی مانند.

۲- از نظر سختی ها: و فشارها و پیشامدهای ناگوار که در دوران غیبت رخ می دهد و مردم را دگرگون می سازد. به طوری که حفظ ایمان و استقامت در دین، کاری سخت و دشوار می گردد و ایمان مردم در معرض مخاطرات شدید قرار می گیرد.

ب- حفظ جان امام: خداوند به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرده است. زیرا اگر آن حضرت از همان آغاز زندگی در میان مردم ظاهر می شد، او را می کشتند. براین اساس اگر پیش از موعد مناسب نیز ظاهر شود، باز جان او به خطر می افتد و به انجام مأموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق نمی گردد.

زراره یکی از یاران امام صادق ع می گوید: امام صادق ع فرمود: امام منتظر، پیش از قیام خویش مدتی از چشم ها غایب خواهد شد. عرض کردم چرا؟ فرمود: بر جان خویش بیمناک خواهد بود.

ج- آزادی از یوغ بیعت با طاغوت های زمان: پیشوای دوازدهم. هیچ رژیم ریاضی راحتی از روی تقیه، به رسمیت نشناخته و نمی شناسد. و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نیامده چرا که مطابق وظیفه خود عمل می کند و دین خدا را به طور کامل اجرا می نماید. و هیچ عهد و میثاق و مراعات ملاحظه برای او منظور نخواهد بود.

### غیبت صغری و کبری

غیبت امام مهدی به دو دوره تقسیم می شود: «غیبت صغری» و «غیبت کبری» غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نایب خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود.

در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام به کلی قطع نبود و آنان به گونه ای خاص و محدود، با امام ارتباط داشتند.

توضیح این که: در طول این مدت افراد مشخصی که ذکرشان آمده به عنوان نایب خاص با حضرت در تماس بودند و شیعیان می توانستند به وسیله آنان مسائل و مشکلات خویش را به عرض امام برسانند و توسط آنان پاسخ دریافت دارند و حتی گاه به دیدار امام نایل شوند از این رو می توان گفت در این مدت امام هم غایب بود و هم نبود.

این دوره را می توان دوران آماده سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن ارتباط شیعیان با امام حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت یعنی فقهای واجد شرایط و آشنایان به احکام اسلام رجوع کنند.

اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می داد ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن ها آماده پذیرش آن نباشد، اما گذشته از زمینه سازی های مدبرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری به تدریج ذهن ها آماده شد و بعد مرحله غیبت کامل آغاز گردیده و همین طور امکان ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره مسأله ولایت و حیات آن حضرت را بیشتر ثابت کرد. با تمام شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و دراز مدت امام آغاز گردید که تاکنون ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد ادامه خواهد داشت.

## فصل دوم

### ظهور مصلح جهانی

تمامی پیروان ادیان الهی و بعضی از پیروان ادیان الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و مصلح جهانی ظهور کرده، اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می دهد، اگرچه در این که مصلح جهانی کیست؟ و دارای چه ویژگیهایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند.

هر ملتی او را با القاب مخصوصی و ویژگی هایی می شناسد و او را از خودشان می دانند.

زرتشتیان، مصلح جهانی را ایرانی و از پیروان خود می دانند. جهودان، از بنی اسرائیل و عیسویان او را مسیح موعود می خوانند.

### ادیان و مصلح جهانی

#### ۱- آیین زرتشت:

در آیین زرتشت، سه منجی به نام های هوشیذر، هوشیذرما و سوشیانس (نجات دهنده مرگ) از نسل زرتشت مطرح است. می گویند: آنان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل خواهند کرد. از جمله مهم ترین آنان، آخرین ایشان است که او را شوشیانس پیروزگر می خوانند که پس از ظهور،

دین را به جهان رواج خواهد داد ، فقر و تنگ دستی را ریشه کن کرده و مردم جهان را هم فکر ، هم گفتار و هم کردار می گرداند.

۲- آیین هندی : در آیین هند و نیز از نجات دهنده و موعودی به نام « آواتا » سخن به میان آمده و در منابع هندوها در کتاب او پانیشا مطرح شده است .

مظهر ویشنو (مظهر دهم) که در انقضای کلی یا عصر آهن ، سوار بر اسب سفید ظاهر می شود ، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد شیران را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید می کند . و پاکی را رجعت خواهد داد . مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد . در یکی دیگر از کتاب های هندوها آمده است : گردش دنیا به پادشاه عادل در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد . حق همراه اوست و آن چه در دریاها و کوه ها پنهان شده باشد ، همه را به دست می آورد . از آسمان ها و زمین ، آن چه باشد ، خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید . در آیین بودایی که یکی از شاخه های کشین هندویی است ، مسئله انتظار مطرح شده و شخصیت مورد انتظار ، بودای پنجم می باشد .

۳- آیین یهود : در آیین یهود هم از شخص موعود سخن گفته شده است ، اگرچه یهودیان در این که موعود کیست ، اختلاف نظر دارند . چون یهودیان به حضرت مسیح ایمان نیاورده اند ، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است . با این حساب ، انتظار در یهودیت کیفیت ویژه می یابد ، ولی آن چه یهودیان بر آن اتفاق دارند ، خروج شخص در آخر زمان است که کویب افروز می باشد و روی زمین را به نور رب کریم روشن می گرداند ... یهودیان به انتظار او زمان می گذارند .



۴- آیین مسیحیت : مسیحیان نیز در انتظار مصلح جهانی هستند ، اگرچه باور دارند که او حضرت عیسی مسیح ع است که از آسمان نزول کرده و جهان را پر از عدل خواهد کرد .

در انجیل مرقس آمده است : « پس بیدار باشید ، زیرا نمی دانید در چه وقت صاحب خانه می آید ، در شام ، یا نیمه شب ، یا بانگ خروس ، یا صبح ، مبدا ناگهان آمده ، شما را خفته یابد ! »

۵- آیین مقدس اسلام : همان طور که می دانید ، یکی از مسائل بسیار مهمی که در اسلام نیز بدان پرداخته شده ، مصلح جهانی است . ما شیعیان عقیده داریم که مصلح جهانی ، امام زمان عج می باشد که در آیات و روایات بدان اشاره شده است .<sup>۱</sup> و <sup>۲</sup>

امام زمان - عج - همان مهدی موعود است که جهان را پر از عدل و داد می کند ، همان گونه که پر از ظلم شده است . اعتقاد به مهدی از بدیهیات تفکر شیعی است .

اندیشمندان اهل سنت نیز باور دارند که جهان در انتظار حضرت مهدی است .

ابن ابی الحدید که از عالمان اهل سنت است می گوید : « میان همه فرقه های مسلمان ، اتفاق قطعی است که عمر دنیا به پایان نمی رسد ، مگر پس از ظهور مهدی »<sup>۳</sup>

از آن چه گذشت ، می توان نتیجه گرفت که همه ادیان الهی و برخی ادیان غیر الهی در خصوص مصلح جهانی اتفاق نظر دارند ، ولی نمی توان قضاوت نمود که مقصود آنان از مصلح جهانی امام زمان می باشد ، گرچه

۱- قصص (۲۸) آیه ۵

۲- بحار الانوار جلد ۵۱ ، ص ۶۷ به بعد

۳- منتخب الاثر ص ۱۱ به بعد

برخی از نشانه‌ها و مشخصاتی که در سایر ادیان برای مصلح جهانی ذکر شده، درباره امام زمان - عج نیز همخوان است .

با توجه به این که بشارت به ظهور مصلح جهانی ، در ادیان الهی بیان شده و مسئله ظهور امام زمان عج در آنها پیش از تحریف شان وجود داشته ، مصلح تمام ادیان الهی ، مهدی موعود است و مقصود دین شان همین است ، اما پیروان آنها در تطبیق و تعیین مصداق به خطا رفته اند .<sup>۱</sup>

### از ولادت تا غیبت کبری

تولد آن بزرگوار شب جمعه نزدیک اذان صبح پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شد . مادر آن بزرگوار نرگس نام داشت که دختر پادشاه روم و دست تقدیر او را به امام عسگری رسانید .

حکیمه خاتون دختر حضرت جواد ع می گوید : روز چهاردهم شعبان خدمت حضرت عسگری بودم . حضرت فرمود امشب را پیش ما باش که خداوند فرزندی به ما عنایت می کند . چون اثر حمل در نرگس ندیدم تعجب کردم و شب را خدمت آن بزرگوار بودم .

آخر شب از خواب بلند شدم و با نرگس نماز شب خواندیم . نزدیک طلوع فجر در دل گفتم چه شد آن چه حضرت فرمودند ؟ حضرت عسگری از اتاق دیگری فرمودند : وعده خداوند نزدیک است . طولی نکشید لرزه ای به اندام نرگس افتاد و من او را در بغل گرفتم و آثار حمل و پاره ماهی به دنیا آمد به سجده رفت و شهادتین گفت و اسماء ائمه را به زبان آورد چون به نام خود رسید گفت : خداوند کاری که به عهده من است به اتمام برسان و آن چه را برای من فرموده ای به اثبات برسان و با دست من جهان را از عدل پرکن .

و دیدم که به دست راست او نوشته بود جاء الحق و ذَهَقَ الباطلُ انَّ الباطلَ کانَ زَهُوقاً<sup>۲</sup> حق آمد و باطل نابود شد همانا باطل از بین رفتنی است .

۱- معارف اسلامی ش ۵۹ / ص ۱۴۸/۱۴۹

۲- بنی اسرائیل ، قسمتی از آیه ۸۱

حضرت مهدی ع پنج سال با پدر بود و در این پنج سال تا آن اندازه که ممکن بود حضرت را معرفی نموده است .  
 در حضور عده ای از بزرگان شیعه که چهل نفر بودند حضرت امام دوازدهم را معرفی کرد و فرمود : این امام شماست بعد از من اورا اطاعت کنید ، متفرق نشوید که هلاک می شوید .

### مولودیه نیمه شعبان

امشب ز خاک سامرا ، ماهی فروزان آمده  
 کز پرتو نورش جهان چون روز رخشان آمده  
 میکال همچون جبرئیل ، با خط و فرمان آمده  
 فرمان آزادی ما ، از نارنیران آمده  
 فوج ملائک صف به صف ، شادان و خندان آمده  
 زیرا ظهور آیتی ، ز آیات رحمان آمده  
 گشته تولد گوئیا ، نور دو چشم عسگری  
 در بین مردم حق کند ، با دست آن شه دآوری  
 برگو به اسرائیلیان ، آئید موسی آمده  
 بر پیروان عیسوی ، گوئید عیسی آمده  
 بر فرقه بودائیان ، گوئید بودا آمده  
 با رومیان برگو که شه ، سبط یشوعا آمده  
 گوئید بر ایرانیان از نسل کسری آمده  
 بر هاشمیون ده ندا ، فرزند زهرا آمده  
 بر اهل عالم زن صلا ، کو رهبر عالم بود  
 وارث به جمله انبیاء ، ز آدم الی خاتم بود  
 اکنون چراغ ایزدی ، روشن ز سامرا بود  
 کز پرتو اش یکسر جهان ، چون سینه سینا بود  
 مهدی و بوالقاسم لقب ، هم نام احمد آمده

روح نبی، جان علی، آئینه زهرا نما  
 حلم حسن، خوی حسین، چون ساجدین شمس الضحی  
 با قر وفا، صادق صفا، کاظم کرم، مظهر رضا  
 جود تقی، نور تقی، چون عسگری، او مقتدا  
 چون در سپهر احمدی، آن مهر تابان می شود  
 خورشید از شرمندگی، گوئی که پنهان می شود  
 جبرئیل نزد مصطفی، تبریک گویان می شود  
 زان ماجرا ختم رسل، شادان و خندان می شود  
 امشب گلی از گلشن، بستان زهرا بشکفد  
 نی نی مهی از زهره، تابان زهرا بشکفد  
 از مولدش لعل گهر، افشان زهرا بشکفد  
 آری از این زیبا پسر، ایمان زهرا بشکفد

#### مولودیه نیمه شعبان

شمس عرب ماه عجم، فخر زمن بدرالرجاء  
 حق الیقین مرآت حق، خضر زمان وی مقتدا  
 ریحانه باغ علی، هم سبط پیغمبر بود  
 حاکم بهر حکم و قضا، چون باب خود حیدر بود  
 وز بوستان احمدی نیکو ثمر آید برون  
 از دامن نرگس بلی، زیبا پسر آمد برون  
 از بوستان احمدی نیکو ثمر آمد برون  
 از بیت احمد آیت فتح و ظفر آمد برون  
 زینت گرفته این جهان، زان گوشواره عرش حق  
 بهر وجودش شد بیا، دنیا و کل ماخلق  
 ختم رسل قنداقه، فرزند از حیدر گرفت

روح القدس چون قدسیان ، اطراف پیغمبر گرفت  
بهر اقامه گفتنش ، الله اکبر در گرفت

جبرئیل ز امر ایزدی نامه ورا قائم گرفت  
صدها صف از خیل ملک ، در آسمان شهپر زدند

آری به خصم منکرش ، بانگ هوالبتر زدند  
وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ<sup>۱</sup>  
نام مبارک آن حضرت

طبق روایات مشهور که داریم نام آن بزرگوار همان نام حضرت رسول  
الله ص می باشد (محمد) در این جا باید توجه داشته باشیم که بر طبق  
سخنان معصومین ع و خود امام زمان به زبان آوردن نام آن امام عزیز به نام  
مقدس پیامبر ص جایز نمی باشد ، ولی باید او را با القاب گوناگون همان  
مهدی ، صاحب الزمان ، یادآوری کرد و از نکرکردن نام اصلی خودداری نمود

امام صادق فرموده است : مهدی ع مردی بزرگوار که جز شخص کافر او  
را به نام یاد نمی کند.<sup>۲</sup>

و از خود آن امام ع هم نقل شده که فرمود هرکس در محفلی مرا به نام  
یاد کند ملعون است.<sup>۳</sup>

### پدر و مادر حضرت مهدی عج

پدر آن امام حضرت امام حسن عسگری ع فرزند امام دهم علی النقی ع  
است که در قبایل فرزندش دو نوع مسئولیت بزرگ را بر عهده داشته است :

۱- سوره انبیاء آیه ۱۰۵

۱- اصول کافی ج ۱ کتاب الحجج ، حدیث ۴

۲- ج ۱۳ ، بحار ، باب سوم به نقل از شیخ صدوق

اول - اثبات وجود امام دوازدهم مهدی عج برای مسلمانان به طوری که شرائط غیبت آن حضرت مهیا شود به این که در صورت غیبت ، مردم مسلمان از وجود آن امام آگاهی کامل داشته و در نتیجه کسی فکر انکار آن امام را نداشته باشد .

دوم - فکرکردن و اقدام برای چگونگی حفظ جان آن امام و برنامه ریزی کردن برای مقابله با دسیسه ها و افکار غلط عده ای برای از بین بردن آن امام .

آن امام از دامن مادر گرامی و بزرگوار همچون « نرجس خاتون » پرورش یافته که در کتابهای اسلامی برای نرجس خاتون نامهای دیگری هم ذکر کرده اند :

مانند : سوسن و ریحانه و ...

آنچه را که مشهور است راجع به آن معظمه ایشان ، دختر یشوعا پسر پادشاه روم بوده است چگونگی ازدواج او با امام عسگری ع از حوادث بسیار بزرگ می باشد .<sup>۱</sup>

### چگونگی سال ولادت و محل تولد حضرت ولی عصر عج

در شب پانزدهم شعبان و در سال ۲۵۵ هجری و در سامراء ، در باب ۴ ج ۱۳ بحارالانوار در خصوص ایشان نقل شده است که او جوانی نیکو روی ، و خوش منظر و دارای جاذبه ، خلق نیکو است و در روایات مشهور آمده است که بر بازوی راست آن حضرت این آیه نوشته شده است :

جاء الحق و ذهب الباطل<sup>۲</sup>

شروع امامت آن : حضرت با شهادت پدر بزرگوارش و در سن ۵سالگی منتظر : کسی که مومنین انتظار ظهورش را می کشند ، منتظر کسی که خود انتظار فرارسیدن زمان قیامت را می کشد .

۱- مراجعه به جلد ۱۳ بحارالانوار مهدی موعود باب اول

۲- بنی اسرائیل

### علت غیبت آن حضرت چیست ؟

این پرسشی است که اغلب مردم می پرسند که دلایل غیبت آن حضرت چیست ؟

یکی از اولین دلایل را می توانیم امتحان مومنین قرار دهیم ، زیرا باید مشخص گردد که پیروان حقیقی آن امام بزرگوار چه اشخاصی بوده و خواهند بود .

دوم : تمیز داده شدن حق و حقیقت از ضلالت و باطل و انسانهای با ایمان از افراد بی ایمان .

سوم : عقب نشینی از همکاری با انسانهای ستمگر ، چرا ؟ چون حضرت امام دوازدهم کسانی را که از دستورات او به دور هستند دوست ندارد (احکام خداوند)

چهارم : آگاهی مردم : به این که خداوند مردم را به دلیل کوتاهی در انجام مسئولیتهای خود محکوم کرد که از خود جدا باشند .

پنجم : کسب نمودن لیاقت : هم یکی از علت غیبت امام دوازدهم عج این است که افرادی که در طول زمان از وجود مبارک آن حضرت محروم بوده اند و در زندگانی خود محرومیت خود را از فضل وجودش را درک نموده اند آرزو کنند که آن حضرت در بین آنها بود و دیگر این که خود را بشناسند به وظایف بسیار سنگین خود جامه عمل بپوشند و خودشان را آماده ظهور آن حضرت نمایند و در چگونگی حفظ امانات خداوند که همان قرآن مقدس و پیروی از پیامبر و ائمه معصومین است کوشا باشند .

صداقت در عمل ، پرهیز از گناه ، داشتن تقوی و برخورداری از نعمت خداوند و شکر نعمتهای پروردگار را بنمایند .



### مومنین در عصر غیبت چه وظایفی دارند ؟

شیعیان چون پیروان خاص و حقیقی آن حضرت هستند در زمان غیبت دارای وظائفی می باشند از آن جمله :

۱- شناخت امام زمان : که او چه کسی است ، چه می خواهد ، چه می گوید ؟ و این که به قدرت خداوند پی بردن که از خداوند هر امری بر می آید که ...

۲- دعا برای ظهور آن حضرت : که خود وظیفه همه شیعیان است که دست به دعا گردیده و برای ظهور آن سفر کرده دعا نمایند و از خداوند بخواهند که ظهورش را نزدیک نماید .

۳- رعایت کردن ادب و احترام نسبت به آن حضرت : و این که زمانی که القاب آن امام را می شنوند احترام نموده و از امام زمان به نیکویی یاد نمایند

۴- اظهار محبت و دوستی به حضرت ولی عصر عج : با بکارگیری دستورات عالیه اسلام و عمل به قرآن

۵- صدقه و زیارت به جای آن امام عج

۶- خواندن دعای عهد و بیعت با آن سفر کرده ، که خواندن آن دعا تجدید بیعت می باشد .

۷- رسیدگی کردن به مردم : در اموری که مربوط به زندگانی آنان می باشد ، به فکر محرومین بودن .

۸- انجام دادن کارهای واجب و فاصله از گناه و فواحش ، عدم تظلم بر دیگران .

۹- دعا برای سلامتی آن حضرت و دعا برای ثابت ماندن در ایمان .

۱۰- استقامت در برابر گرفتاری ها ، که شیعه باید در همه امورات گرفتاری ها صابر باشد .

را داشته باشد. امام زمان عج به نیرو و آدمی نیاز دارد که بتواند با پدیده ها و شرائط مواجه شود. این امر که افراد در دوران غیبت، قابلیت ها و تخصص های خودشان را گسترش ندهند با مفهوم انتظار تطابق ندارد.

۳- امید به آینده جهان: دیگر ویژگی های نسل منتظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده جهان است. اگر خودمان را در این شرایط ببینیم، تصور می کنیم که منتظر دادگستر و عدل گستر جهان هستیم در راستای این اهداف تلاش خواهیم کرد. ادیانی که موعودگر نیستند، یک نگرش کاملاً منفی و یأس آور نسبت به جهان دارند اگر امید به آینده نباشد انسان دچار افسردگی خواهد شد.

۴- جهانی شدن: انسان باید از خویشتن بیرون بیاید و جهانی شود. انسان ها را از درون خودشان بیرون بیاورد و از هرگونه تفرقه دوری کنند. خودمحوری برای جامعه بسیار خطرناک است. کسی که درخت را از خیابان می کند و در منزل می کارد، اندیشه این آدم در حقیقت از خودش و خانه خودش فراتر نمی رود به شهر فکر نمی کند به کشور نمی اندیشد انگار فقط همین نسل است و بس. انتظار انسان را از خانه خود بیرون می آورد و جهانی می کند.

ه- زیستن با یاد او: ما باید این تفکر را داشته باشیم که اگر توفیق زیارت ایشان حاصل شد چگونه زندگی و چگونه مردن را از او بپرسیم. نسل منتظر باید منتظر لحظه ای باشد که وقتی امامش را می بیند صراط مستقیم را با تمام اجزای آن از امام بخواهد. منتهی این کار به آمادگی احتیاج دارد.

### روشهای تربیت برای نسل آینده

چه روشهایی می تواند فرد را آماده نماید؟ مسلماً باید چیزهایی را به دیگران آموخت تا شناخت آسان گردد.

۱- فضاسازی: گرفتن این مطلب که وجود امام زمان یک مساله جدی است و شوخی بردار نیست و سهل انگاری در آن راه ندارد. انسان ها باید

یک به یک تربیت شوند افراد وقتی در فضای خاص قرار گیرند مطابق آن فضا حرکت خواهند کرد. بعضی از والدین نسبت به درس بچه ها مشکل دارند هرکار می کنند آنها گوش نمی دهند مشکل دارند لازم است در خانه برای خواندن درس فضای کتاب خانه ایجاد نمایند بهتر نتیجه خواهند گرفت. در تربیت فضاسازی بهتر از کار مستقیم فردی است. پس باید فضای خوبی را در نظر گرفت.

۲- گوشزد کردن اهمیت مسأله: در خیلی از مسائل باید جدی بود مثل قرآن و قیامت، نام قیامت باید با اشک جاری شود در مورد قیامت نباید شوخی کرد نسل منتظر باید با شنیدن نام مبارک ولی عصر عج دگرگون شوند این دگرگونی اثر خود را می گذارد. پس در اعماق اثر گذاشتن خیلی سودمند خواهد بود، آن طور نشان دهیم که ما با یک فرد بزرگ سروکار داریم. نام امام زمان که می آید بر می خیزیم و دست روی سر می گذاریم این کاری بوده که امام رضاع قبل از تولد امام زمان عج انجام می داد، این کارها باید در عمل نشان داده شود.

۳- انتقال معارف مهدوی: سخن از تعلیم معارف مهدوی است. خیلی دقیق باشیم و معارف را به آیندگان بیاموزیم، احادیث مربوط به آن بزرگوار را تعلیم داده و خود بخوانیم هرچه در جوانی و نوجوانی روی آن کار کنیم در شناخت آن امام عج موثرتر واقع خواهد شد.

۴- یادکردن زیاد امام زمان عج: یکی دیگر از چیزهایی که در مورد روش های تربیتی باید تاکید کرد انجام آداب خاص و یادکردن زیاد از امام عج است. ذکر امام و نام مقدس او باید در زندگی ما فراوان باشد. البته قدرت و توانایی خداوند هم در اولین درجه بسیار کارساز خواهد بود.

۵- ایجاد شرایط خاص: این موارد از تجلیل آن بزرگوار از قبیل نیمه شعبان چراغانی ها روی کودکان تاثیر فراوان دارد خیلی سازنده است. عیدی دادن - شیرینی دادن و متاسفانه کمتر می بینیم عیدی داده شود. این

کارها ذهن آیندگان را آماده تر نموده و اثر خواهد داشت . حفظ و حراست منطقی و عقلانی یکی از وظایف ماست .

### مسجد جمکران چگونه احداث شد ؟

به مردم بگو به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند .

(از فرمایشات حضرت مهدی ع به حسن بن مثله جمکرانی)

مسجد مقدس جمکران : در نزدیکی شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد . این مکان مقدس ، تحت توجهات خاصه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) قرار دارد و آن حضرت از شیعیان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند ، چرا که این مکان ، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است . شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید : من شب سه شنبه ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگهان جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند :

برخیز و مولای خود حضرت مهدی ع را اجابت کن که تو را طلب نموده است . آن ها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند . چون نیک نگاه کردم ، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت ، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است . آن پیر ، حضرت خضر (ع) بود که مرا امر به نشستن نمود .

حضرت مهدی (ع) مرا به نام خودم خواند و فرمود : برو به حسن مسلم (که در این زمین کشاورزی می کند) بگو : این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است ، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند . عرض کردم سیدی و مولای ! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم وگرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند . آقا فرمود : تو برو و آن رسالت را

انجام بده ، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم و همچنین نزد سید ابوالحسن (یکی از علمای قم) برو و به او بگو : حسن مسلم را احضار کند و سود چندساله را که از زمین به دست آورده ، وصول کند و با آن پول در این زمین مسجدی بنا نماید .

### نماز امام زمان عج

به مردم بگو : به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گذارند . دو رکعت اول به نیت نماز تحیت مسجد است ، در هر رکعت آن یک حمد و هفت بار (قل هو الله احد) خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند . دو رکعت دوم به نیت نماز امام زمان (ع) خوانده می شود ، بدین صورت که سوره حمد را شروع کرده و آیه (ایاک نعبد و ایاک نستعین) صد مرتبه تکرار می شود و بعد از آن ، بقیه سوره حمد خوانده می شود ، و سپس سوره (قل هو الله احد) را فقط یکبار خوانده و به رکوع رفته و ذکر (سبحان ربی العظیم و بحمده) هفت مرتبه ، پشت سرهم تکرار می شود و سپس به سجود رفته و ذکر (سبحان ربی الاعلی و بحمده) نیز هفت مرتبه ، پشت سرهم تکرار می شود .

رکعت دوم را نیز بهمین ترتیب خوانده ، چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود ، یک بار گفته می شود (لا اله الا الله) و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگویند (اللهم صلّ علی مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد) آن گاه امام ع فرمودند : هرکس که این دو رکعت نماز را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد .

چون به راه افتادم ، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا خواندند و فرمودند : بزی در گله جعفر کاشانی است ، آن را خریداری کن و بدین مکان آور و آن را بکش و بین بیماران انفاق کن ، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد ، حق تعالی او را شفا دهد .

حسن بن مثله جمکرانی می گوید : من به خانه باز گشتم و تمام شب را در اندیشه بودم ، تا این که نماز صبح خوانده و به سراغ علی بن منذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتیم و در آن جا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام ، حدود بنای مسجد را نشان می داد .

سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم ، خادم او گفت : آیا تو از جمکران هستی ؟ به او گفتم : بلی ! خادم گفت : سید از سحر در انتظار تو است . آن گاه به درون خانه رفتیم و سید مرا گرمی داشت و گفت : ای حسن بن مثله ، من در خواب بودم که شخصی به من گفت : حسن بن مثله ، از جمکران نزد تو می آید ، هرچه او گوید تصدیق کن و به قول او اعتماد نما و سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن .

از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم . آن گاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم . سید بلافاصله فرمود تا اسب ها را زمین نهاده و بیرون آورند و سوار شدیم چون نزدیک روستای جمکران رسیدیم ، گله جعفر کاشانی را دیدیم . آن بزاز پس همه گوسفندان می آمد ، چون به میان گله رفتم همین که بز مرا دید به طرف من دوید . جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آن را ندیده بودم . به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که گوشت آن را تناول کرد ، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله ارواحنا فداء شفا یافت .

ابوالحسن رضا ، حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب پوشانید . سپس زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت ، هر بیمار و دردمندی

که خود را به زنجیرها می مالید ، خدای تعالی او را شفای عاجل می فرمود . پس از فوت ابوالحسن آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آن ها را ندید .<sup>۱</sup>

### حکم داوودی حضرت صاحب الزمان عج

امام مهربان ما حضرت مهدی عج بهترین حکم کنندگان جهان می باشد . قضاوت باریک بینانه او به نحوی است که حق هیچ کس ضایع نخواهد شد و زمان ظهور حضرت همه انسانها لذت عدالت و انصاف را خیلی خوب درک می کنند .

علمی که آن حضرت بدان حکم می کند ، برگرفته از علم الهی می باشد برای همین است که هیچ گونه ظلم و ستمی باقی نخواهد ماند . همان طور که حضرت صادق (ع) در یک روایت زیبا و جالب می فرمایند : « آنگاه که قیام کننده آل محمد (ص) به پا خیزد در میان مردم به حکم داود حکم نماید و نیازی به بینه و شاهد ندارد ، بلکه خداوند بلند مرتبه او را الهام می کند و او به علم خویش عمل خواهد کرد »

آن زمان که حضرت داود به حکم « و آتیناه الحکمه و فصل الخطاب » یعنی دانش داوری عادلانه به او دادیم ، منصب حکمرانی و قضاوت را به دست گرفت ، دو نفر که بر سر عده ای گوسفند کارشان به اختلاف کشیده بود در محضرش بیان ادعا کردند و آن حضرت بدون این که از آن ها شاهی طلب کند به صدور حکم الهی اقدام نمود ولی در اندک زمانی متوجه شد که آمدن این دو نفر نزد او دستوری بوده از طرف خداوند متعال تا داود را امتحان نمایند و نمی بایست داود بدون خواستن شاهد و بینه حکم می نمود . آری داود را گفتند : که حکم بدون طلب شاهد مخصوص خلیفه دیگری است که وعده آمدنش در زبور ، مزبور است ، و فقط اوست که بدون بینه حکم خواهد فرمود اگرچه اجداد طاهرینش همگی سینه هاشان مخزن اسرار و



علوم خداوندی بود و اگر از اسرار غیب و نهان بودند ، اما امر الهی چنان صادر شده بود که در میان مردم به واسطه شاهد ، بینه ، سوگند و اموری که در قضاوت معتبر است حکم نمایند ، اما از ویژگی های سلطان عصر (ع) در زمان ظهور آن است که در میان مردم به علم معبودی و حکم داودی حکم خواهد نمود و از کسی طلب بینه و شاهد نخواهد کرد و نیازی به بینه ندارد . آری او خود شاهد است و حاکم و به « عین الله الناظره » می بیند و به « حکم الله المرضی » حکم می کند و با « ید الله الباسطه » اجرای حکم می نماید .

### زرهی یادگار بر قامتی استوار

وای از آن صحنه دل انگیز و بهت آور ، عجب روزی خواهد بود ، یکی از تاریخی ترین و پرمعناترین روزهای عالم هستی به شمار خواهد رفت . از همان روزی صحبت می کنیم که بعد از ۱۱ قرن دیوار کعبه منتظر آمدن مردی می شود که زمزمه قرآن بر لب ، شمشیر علی بر کف و زره پیغمبر (ص) بر تن دارد و از وجود پرمحبت خود عالمیان را فیض می رساند هیچ یک از نشانه های حکمت نیست و رازهای زیادی در آن نهفته است .

حضرت امام جعفر صادق (ع) می فرمایند : پدرم زره رسول خدا (ص) را پوشید ، روی زمین کشیده می شد ، و من پوشیدم ، همان طور بود ، و زره برای حضرت قائم زینبده می باشد ، همان طور که برای رسول خدا اندازه و زینبده بود .

اخبار و آثار اهل بیت (ع) حاکی از آن است که قامت چون قیامت رسول اعظم اسلام (ص) را دو زره مخصوص بود ، یکی زرهی که بعد از آن بزرگوار ، نشان امامت کبری و خلافت عظمای جانشینان آن حضرت می باشد و ویژگی اش آن است که فقط بر قامت امام زمان و خلیفه راستین پیامبر ، راست و درست می آید و دیگری چون بیوشد قامتش کوتاه باشد یا بلند ، مقداری بلندتر خواهد بود و نزد ائمه هدی (ع) امامی بعد از امام چرخیده تا

به محضر مقدس امام عصر (ع) رسیده . ولی زره دیگر رسول خدا آناست که حتی بر قامت مبارک ائمه ع نیز استوار نمی شد و مقداری از قامتشان بلندتر بود و این زره بعد از رسول اکرم مخصوص قامت سروگل زیبای نرگس است ، که چون بر قامت او آراسته شود بر او راست و درست و استوار آید ، و صحنه ای از قامت سروگونه آن پیک الهی و آخرین پیامبر بزرگ خدا بر پرده روزگار مصور خواهد شد و خاطرات گام های استوار و خرامان آن سرو بزرگ زنده خواهد شد که این زاده رسول خدا (ص) و محمدی دیگر است .

### سال ۲۰۰۰ -

روزگاری شهر ما ویران نبود

دین فروشی این قدر ارزان نبود

صحبت از موسیقی عرفان نبود

هیچ صوتی بهتر از قرآن نبود

بانوان را بی حجابی ننگ بود

رنگ چادر بهتر از هر رنگ بود

دختر حجب و حیا قرتی نبود

خانه فرهنگ کنسرتی نبود

مرجعیت مظهر تکریم بود

حکم او را عالمی تسلیم بود

یک سخن بود و هزاران مشتری

آن هم از لوٹ قرائتها بری

هدیه بر رقاصه ها واجب نبود

قدر عالم کمتر از مطرب نبود

وه که در سال سیاه / ۲۰۰۰

کار فرهنگی شده پخش نوار

ذهن پاک نوجوانان محل  
 پر شده از فیلمهای مبتذل  
 آدمیت کو دگر آدم کجاست  
 آدم قرن تمدن برفی است  
 پشت پا بر دین زدن آزادی است  
 حرف حق گفتن عقب افتادگی است  
 آخرای پرده نشین فاطمه  
 تو برس بر داد دین فاطمه  
 بی تو منکرها همه معروف شد  
 کینه تیزی با ولی مکتوف شد  
 در به سوی فتنه جویان باز شد  
 دشمنی با نائبت آغاز شد

### حکومت حضرت مهدی عج

ویژگی اول : حکومت امام مهدی ، حکومتی است جهانی ، حکومتی نیست  
 که در یک گوشه ای از زمین برقرار شود . حکومت ایشان همه جهان را مسخر  
 می نماید و همه را تحت اختیار خودش قرار می دهد .

از روایات فراوان این مسأله استفاده می شود . علاوه بر این آیه  
 «... ان الارض یرثها عبادی الصالحون» و آیات دیگر دلالت می کند که  
 یک زمانی صالحان حاکم زمین می شوند . یکی از خصوصیات این حکومت که  
 با حکومت های دیگر خیلی تفاوت دارد ، حکومت واحد جهانی بودن است .  
 حکومت متعدد نیست : الان جهان در چه حالی است .

حکومت های مختلفی در جهان است . همه این اختلافات باید برطرف  
 بشود و یک حکومت حاکم گردد . این عقیده ما شیعیان است .

ویژگی دوم : دومین ویژگی حکومت حضرت مهدی سلام الله علیه  
 گسترش اسلام در همه جهان است به گونه ای که هیچ ، ده ، قریه یا جایی

نیست مگر صدای اذان در آن جا به گوش می رسد . آیا در آن زمان ادیان آسمانی مثل یهود و نصارا باقی می مانند یا نه ؟ این مسأله ای دیگر است که فعلاً در آن قسمت بحث نمی شود . اما مسأله این است که اسلام در همه جای جهان گسترش پیدا می کند . تردیدی هم از لحاظ روایات نیست شما مطلع هستید که مسلمانان الان چه مقدارند و غیرمسلمانان چقدر هستند . یک ششم جمعیت جهان مسلمانند و بقیه غیرمسلمان . به هر حال اکثریت جهان در اختیار غیرمسلمان ها است ، ولی در حکومت حضرت مهدی عج همه جهان در اختیار مسلمانان قرار می گیرد .

**ویژگی سوم : سومین ویژگی از برنامه های حکومت حضرت مهدی عج و مهم ترین برنامه اش مبارزه جدی با ستم و ریشه کن کردن آن است .** در این قسمت هم حضرت موفق می شود ، یعنی ظلم و ستم را ریشه کن می کند . از روایات فراوانی استفاده می شود که حضرت ستم را برطرف می سازد . نه افراد نسبت به هم ظلم می کنند نه حکومت ها نسبت به رعیت های خود و نه حکومتی نسبت به حکومت دیگر ، ستم به طور کلی برچیده می شود .

**ویژگی چهارم :** این که حضرت عدالت را در سراسر جهان گسترش می دهد و اجراء می کند . همه جا به عدالت رفتار می کنند ، مثلاً شوهر به خودش ، فرزندانش و خانواده اش ستم نمی کند و همین طور همه به عدالت رفتار می کنند . در اکثر روایاتی که درباره حضرت مهدی عج هست این مسأله را شما می خوانید که « یملاها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً » این از برنامه های اصلی حضرت است .

**ویژگی پنجم :** ویژگی پنجم حکومت امام زمان (عج) این است که اسلام را در ابعاد مختلف زندگی مردم وارد می کند ، یعنی اجرای احکام اسلام در ابعاد مختلف زندگی و آن هم در تعالیم جهان ، یعنی اداره جهان به وسیله احکام اسلام . در آن روز مسایل جهان (مسایل اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و زندگی و ...) و به طور کلی جهان با قوانین اسلام اداره خواهد شد . این ها

مهمترین چیزهایی است که حکومت حضرت مهدی عج در صدد ایجاد آن است . حالا احکام اسلام چگونه اجراء می شود قطعاً این گونه نیست که کاملاً اجرا شود شاید در مسایل عبادی قدری نزدیک باشد ولی در مسائل اقتصادی اجتماعی خیلی خوب نیست . آرزوی ظهور حضرت مهدی (عج) و تاسیس حکومت واحد آرزوی عالی و بسیار خوبی است که جهانیان و مسلمانان منتظرش هستند و شیعیان یک مقدار بهتر در انتظارش به سر می برند . منجی عالم و نجات دهنده غیبی حتی در ادیان غیر آسمانی هم وجود دارد این آرمان خوب چگونه تحقق پیدا می کند آیا امکان دارد ؟

### جایگاه حکومت آن حضرت

در روایات آمده است که امام دوازدهم پس از قیام شهر کوفه را جایگاه حکومت خود قرار می دهد و نمایندگان هم به آنجا فرستاده تا قوانین روح بخش اسلام و قرآن را در اختیار عموم قرار دهند .

از مفضل بن عمر روایت شد که ایشان از امام صادق ع پرسید یابن رسول الله آقای من خانه امام مهدی در کجا خواهد بود و مومنین در کجا جمع می شوند ؟<sup>۱</sup>

در پاسخ امام ع فرمود جایگاه حکومت وی در شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم آن مسجد معروف سهله واقع در زمینهای مسطح و روشن نجف و کوفه می باشد .

و در قسمتی از این خبر در باب ۳۳ این طور نقل می کند مهدی عج به کوفه برمی گردد و آسمان ملخ های طلائی بر آنها می بارد ، همانطوری که خداوند و دست قدرت او در بنی اسرائیل بر ایوب پیغمبر نیز فرود آورد و همچنین آمده است مهدی بعد از گردش در شرق و غرب به کوفه می آید و به مسجد کوفه می رود و مسجدی که یزیدبن معاویه بعد از شهادت امام حسین

ع بنا کرده خراب می نماید . خداوندا ما را از انصار و محبان او قرار بده ، و در ظهورش تعجیل فرما .

### امام عصر و غیبت صغری

امام عصر در زمان غیبت صغری دارای چهار نائب معروف بود و با مردم در ارتباط بودند .

۱- عثمان بن سعید عمری ، که ایشان وکالت امام هادی و امام عسگری را عهده دار بوده اند و به صورتی عمل می کرد تا جاسوسان و خلفای عباسی متوجه کار او نشوند و به این صورت با امام ارتباط برقرار کرده و نیابت ایشان هم ۵ سال بوده است .

۲- محمد بن عثمان بن سعید عمری ، که ایشان فرزند نائب اول امام زمان بوده ، مدت چهل سال هم نیابت را به عهده داشته است .

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ، که نیابت ایشان هم حدوداً ۲ سال به طول انجامید .

۴- علی بن محمد سمري ، نیابت ایشان هم تقریباً سه سال بوده است . و کار این چهار نفر ارتباط با مردم بوده است و در شناخت امام دوازدهم و علت غیبت در جهت آماده کردن ذهن مردم مسلمان برای غیبت کبری به خاطر اینکه اگر امام به طور ناگهانی غائب می شد بعضی ممکن بود وجود امام دوازدهم را انکار کنند .

بنابر روایات مشهور اصحاب آن حضرت در هنگام قیام ۳۱۳ نفر می باشد روایتی از امام پنجم آمده که فرمود قائم ما با ۳۱۳ مرد از یارانش در ذی طور ، کوهی است مجاور شهر مکه منتظر قیام است تا زمانی که به حجرالاسود تکیه کند و پرچم را به اهتزاز درآورد ، در روایات دیگر هم شهرها و زادگاههای برخی اصحاب معرفی شده است از جمله شهر کوفه<sup>۱</sup> .

### دو غیبت برای امام عصر ع

حال که وظائف شیعیان را نسبت به امام عصر ع دانستیم به چگونگی غیبت آن امام پرداخته و به شرحی در این زمینه پرداخته می شود .  
برای حضرت ولی عصر دو نوع غیبت ذکر شده است ، غیبت کوچک و غیبت بزرگ

۱- غیبت صغری : که در زمان این غیبت امام ع از طریق برگزیدگان مخصوص خود با مردم و مسلمانان در ارتباط بودند ، این غیبت را صغری می نامند .

۲- غیبت کبری : که آن هم بعد از غیبت صغری آغاز گردید و همچنان ادامه دارد .

مهدی و قائم کیست ؟ در جلد ۱۳ بحارالانوار ، باب دوم از کتاب غیبت شیخ طوسی روایت شده که از حضرت امام صادق سؤال شد آیا مهدی و قائم یکی هست ؟

در جواب فرمودند ، بله از امام صادق پرسیده شد ، چرا او را مهدی می گویند ؟ فرمود زیرا برای هدایت امر پوشیده ای راهنمایی شده است و از این جهت هم او را قائم می گویند که در وقتی که مردم او را فراموش کنند او قیام به امر عظیمی می کند و چون از جانب خداوند به امور گم شده راهنمایی می شود او را مهدی می گویند و به خاطر این که او به طرفداری حق قیام می نماید قائم می نامند .

### شناختی از جعفر کذاب ؟

برای عده ای این پرسش می شود که جعفر دروغگو چه کسی است ؟ در اینجا به شرحی مختصر در این زمینه پرداخته می شود و اطلاعاتی در شناخت ایشان داده می شود .

جعفر ، پسر امام هادی ع عموی امام زمان عج بود به این لقب کذاب را به او دادند که بعد از امام حسن عسگری ادعای امام بودن را نمود و خود را شایستگی امامت دانست و روایت دیگری هم داریم که تاریخ آن را اینطور نقل می کند جعفر کذاب به این دلیل که دارای انحراف و فساد بود توسط امام هادی ع پدر ، جعفر کذاب طرد شده بود و آن حضرت یارانش را به دوری کردن از اطراف جعفر امر فرموده بود .

او اقداماتی در جهت خلاف امامت حضرت مهدی عج انجام داد که به گوشه ای از این اقدامات اشاره می شود .

اول : ادعای امامت بعد از شهادت امام حسن عسگری ع که خود را امام معرفی کرد .

دوم : ادعای نبودن وارثی برای امام عسگری نمود و خود را وارث اموال و امامت آن حضرت دانست .

سوم : جاسوسی نمودن و اطلاع دادن به دستگاه حکومتی از احتمال وجود حضرت مهدی عج و ایجاد مزاحمت و ناراحتی برای مادر امام عصر عج و در نتیجه اطلاع او مأمورین حکومتی به منزل امام آمده و اموال منزل را غارت می کردند .



## فصل سوم

### زیباترین طلوع

#### چهار نایب خاص امام زمان عج

۱- عثمان بن سعید عمروی : به او عثمان بن سعید عسگری هم می گویند ، چون از روستای سامره بود . به او سمان هم می گویند زیرا به خاطر این که کسی نداند او از جانب امام زمان (عج) نایب خاص است روغن فروشی می کرد او اموالی را که شیعیان برای امام حسن عسگری ع می آوردند ، در داخل خیک روغن پنهان می کرد و آن ها را به خانه امام ع می رسانند . آن مرد بزرگوار مورد اطمینان امام هادی عج و امام حسن عسگری ع بود .

احمد بن اسحاق قمی می گوید روزی در خدمت امام هادی ع عرض کردم ، آقا گاهی من سعادت زیارت شما را ندارم و همه وقت از این فیض بی نصیب می مانم ، در این زمان صحبت چه کسی را بپذیرم امام هادی ع فرمود : ابو عمر عثمان ابن سعید ، مردی مورد اطمینان و امین است و هرچه را به شما می رساند از جانب من است . همین نظر را هم امام حسن عسگری ع درباره این مرد داشت . عثمان بن سعید قبل از ولادت امام عصر عج به مدت ۵ سال از طرف امام هادی عج و امام عسگری ع وکیل و نماینده بود چون آن بزرگواران نمی توانستند به راحتی با مردم ارتباط برقرار کنند . برای همین ، از شاگردان خاص و شیعیان با آن ها ارتباط برقرار می کردند و این امر در واقع آماده کردن مردم برای زمان غیبت امام عصر عج بود تا مردم به مرور با امر غیبت آشنا شوند .

زمانی که عثمان بن سعید ، لطف و بزرگواری امام ع را در حق خود شنید به سجده ی شکر افتاد و خدا را سپاس گفت . عثمان بن سعید از دوران کودکی حجت خدا به مقام سفارت و نیابت (نماینده‌گی) از طرف آن حضرت انتخاب شد . او از کسانی است که در مراسم غسل و کفن و نماز و دفن امام حسن عسکری ع شرکت کرد . یکی از دستوراتی که با دست خط مبارک با مهر و امضای امام زمان عیج برای شیعیان به وسیله عثمان بن سعید صادر شد .

زمانی است که جمعی از شیعیان درباره ی وجود مقدس آن حضرت به شک افتاده بودند . که آن حضرت مردم را نصیحت کرده بودند . در زمانی که نایب خاص اول امام زمان از دنیا رفت امام زمان عیج در نامه شریفی به پسرش محمدبن عثمان به او تسلیت گفته نوشتند : ما برای خدایم و بازگشتن به سوی خداست تسلیم فرمان خدا به قضای الهی هستیم . پدرت سعادت مندانه زندگی کرد و نیکو از این جهان دیده بر بست خدا رحمتش کند و او را به اولیاء و موالی خود ملحق سازد که همواره در راه آن ها کوشا بود در چیزهایی که او را به خدا نزدیک سازد تلاش زیاد داشت . خداوند بزرگ رویش را سفید و درخشنده گرداند و لغزش هایش را ببخشد .

در نامه ای دیگر به محمدبن عثمان امام زمان (عج) می فرمایند : خداوند به اجر زیاد و صبر زیبا مرحمت فرماید ما و شما در این حادثه دچار غم و اندوه شدیم از جدایی و دوری او احساس وحشت کردیم خدایش او را شاد و مسرور گرداند از کمال سعادت او این بود که خدای بزرگ فرزندی چون تو به او عنایت فرموده است که در جای او بنشیند و مقام او را به عهده بگیری و از خدا برایش رحمت و آمرزش بطلبی .

۲- نایب خاص دوم حضرت ولی عصر عیج در غیبت صغری ابو جعفر بن عثمان (محمدبن عثمان) معروف به عسکری دوم بود

دوران سفارت او با روزهای خلافت معتمد عباسی ، معتضد عباسی ، مکتفی عباسی و ۱۰ سال از خلافت مقتدر عباسی هم زمان بود . و حدود ۴۰

سال افتخار نیابت خاصه امام (عج) را به عهده داشت و در سال ۳۰۵ هجری از دنیا رفت. امام عصر عج در حق محمد بن عثمان می فرمایند: او در همین حال مورد اطمینان و اعتماد ماست و او در پیش ما مقام و مرتبه ای دارد که او را دل شاد می کند.

خداوند لطف و کرمش را در حق او زیاد کند که خداوند مولای تواناست و همه ستایش ها مخصوص اوست که شریکی ندارد و صلوات و سلام و درودهای فراوان بر رسول گرامی حضرت محمد (ص) و اهل بیت او باد. محمد بن عثمان واسطه بین مردم و امام زمان عج بود و مردم در جواب سئوال های خودشان را از او می گرفتند. محمد بن عثمان در آخرهای عمر، برای خود قبری آماده کرد و هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن را تلاوت می کرد. سپس بیرون می آمد وقتی علت آن را سئوال کردند فرمود: برای مردن اسبابی هست، مامور شدم که خود را جمع و جور کنم. سپس دو ماه بعد وفات می کند. وفات او در آخر ماه جمادی الاول سال ۳۰۵ و قبر آن بزرگوار در بغداد است.

### ۳- ابوالقاسم حسین بن روح نویختی

سومین نایب خاص امام زمان (عج) است که حدوداً ۲۱ سال این مقام بزرگ را بر عهده داشت، زمان سفارت او با دو خلیفه عباسی (مقتدر و راضی) همزمان بود. نایب دوم امام زمان عج در زمانی که مریض و ناتوان شده بود گرفتن اموال شیعیان را به حسین بن روح سپرده بود و در لحظه های آخر عمرش در مجلسی گفت به من دستور داده شده است که ابوالقاسم را جانشین خود کنم. یک بار حسین بن روح در نامه ای به پیشگاه امام زمان عج از آن حضرت اجازه رفتن به حج را خواست ولی امام موافقت نکرد و فرمود با آخرین کاروان برو.

بعد معلوم شد که کاروان های قبلی دچار راهزنان شده و همه قتل و غارت شدند. اولین دست خط با مهر و امضای مبارک حضرت قائم (عج) که

به دست حسین بن روح صادر شد به این شرح است : « ما او (حسین بن روح) را می شناسیم خدا همه خوبی ها و رضای خود را به او بشناساند و او را با توفیق خود سعادت مند گرداند از نامه ی او اطلاع یافتیم و به او اطمینان داریم . او در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را شاد می گرداند. خداوند احسان خود را درباره او زیاد گرداند »

۲- ابوالحسن علی بن محمد سمري

او چهارمین و آخرین سفیر و نایب خاص حضرت ولی عصر (عج) که بعد از وفات حسین بن روح به مقام سفارت انتخاب شد و مدت ۳ سال عهده دار این مقام بود . و در نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری از دنیا رفت با وفات او دیگر کسی به سفارت و نایب خاص امام زمان عج انتخاب نشد . او از یاران نزدیک امام عسگری ع بود و دوران سفارتش با دو خلیفه عباسی (راضی و متقی) هم زمان بود .

از جمله دست خط یا امضای مبارک امام زمان (عج) که به وسیله سمري صادر شد . این جمله مبارک است : اما در مورد حوادثی که روی می دهد به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آن ها هستم . و به این وسیله پایه های مرجعیت و غیبت کبری بنا شد . تا شیعیان در این زمان حساس از نظر احکام اسلام بی سرپرست نمانند و با مراجعه به مراجع عالی قدر تقلید وظیفه های شرعی خود را بدانند و به آن عمل کنند .

در روزهای بیماری او از او پرسیدند که به چه کسی ما را سفارش می کنی ؟ که بعد از تو در مسائل شرعی و حقوقی به او مراجعه کنیم .

ابوالحسن سمري گفت : خدا مشیبتی دارد که آن را انجام خواهد داد . سپس نامه ای را که از امام زمان عج رسیده بود درآورد و مهر آن را باز کرد و برای حاضران خواند . متن نامه به خط حضرت امام زمان عج بود : به نام خداوند بخشنده و مهربان ، ای علی بن محمد سمري خدا پاداش برادرانت را

در مصیبت تو زیاد کند تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی ، کارهایت را آماده کن و کسی را برای جانشینی خود انتخاب نکن و به کسی وصیت نکن .  
 زیرا غیبت کامل (کبری) فرا رسیده و تا روزی که خداوند بزرگ بخواهد ظهوری نخواهد بود و آن مدتی بسیار طولانی خواهد بود که دل ها را سختی خواهد گرفت و زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد در این زمان بعضی از شیعیانم ادعای دیدن و نیابت خاصه خواهند کرد هرکس این ادعا (نیابت خاصه) قبلاً از خروج سفیانی و قبل از صیحه ، (خروج سفیانی و صیحه دو علامت از نشانه هایی هستند که نزدیک ظهور امام عصر (عج) است) . چنین ادعایی کند دروغ گو است و هیچ حول و قوه ای جز برای خداوند بزرگ و بزرگوار نیست . درست روز ششم آخرین سفیر خاص امام زمان ع ابوالحسن علی بن محمد سمري از دنیا رفت و غیبت کبری شروع شد.

### کجائی ای عزیز

صبح جمعه ای دیگر رسید و فرصتی برای انابه و ندبه . سلام بر تو که از سلاله پا کانی خدا را شکر می گویم برای هر آن چه که برای شما انتخاب کرد که شما خاصان دین و بارگاه خداوند هستید . شما شایسته نعمت های بی پایان خداوند بودید و هستید و خواهید بود ، مدام که دنیا بر پاست ، که ترک گفته بودید مقامات خاک را ، که خود را تنها برای او می دانستید و بس .

خدایا دیگر تابی نیست اجازه ده که بگویم کجاست آن بقیه الله ؟ او که ظالم را ریشه کن می کند او که ناراستی ها را راست می کند او که ذخیره ای برای تازه کردن روح دین در میان مردمان خدا یا کجاست او که بنیان های شرک و نفاق را ویران می کند ؟ کجاست او که کج دلی ها را محو می کند؟ کجاست او که بساط دروغ را برمی چیند ؟ عزیز دلم چقدر بر من سخت و دشوار است که خلق را ببینم و تو را نبینم صدای نفس کشیدنت را نشنوم . فدایت شوم که غایبی اما جمع ما یک دم از وجودت خالی نیست . فدایت شوم

که دور از وطنی . مولای عزیزم تا کی سرگردان باشیم در جستجوی تو تا کی ؟ زبانی ندارم که شایسته ستایش تو باشد .

ای زاده احمد محمد (ص) چگونه راهی به سوی تو باز کنم ؟ در کدامین روز ، جدایی ما به وصل می رسد و ما از جام وجودت سیراب می شویم ؟ تشنگی ما به درازا کشیده است ، کی آن صبح روشن فرا میرسد که تو را ببینم و ما را ببینی . خدایا به تو پناه می برم . خدایا تو پروردگاری و دادرسی ، این بنده کوچکت را ببین و دستگیرش باش که ما سخت شیفته ولی تو هستیم .

### به ما نگفتند

راستش را به ما نگفتند یا لاقلاً همه راست را به ما نگفتند . گفتند تو که بیایی خون به پا می کنی ، جوی خون به راه می اندازی و از کشته پشته می سازی و ما را از ظهور تو ترسانند درست مثل این که حادثه ای به شیرینی تولد را کتمان کنند و تنها از درد زادن بگویند . ما از همان کودکی تو را دوست داشتیم . با همه فطرتان به تو عشق می ورزیم و با همه وجودمان بی تاب آمدنت بودیم ، عشق تو با سرشت ما عجین شده بود و آمدنت ، طبیعی ترین و شیرین ترین نیاز زمان بود .

اما ... اما کسی به ما نگفت که چه گلستانی می شود جهان ، وقتی که تو

بیایی .

همه ، پیش از آن که نگاه مهرگستر و دست های عاطفه ی تو را توصیف کنند شمشیر تو را نشانمان دادند . آری بر این که مظلومان تاریخ ، نفسی به راحتی بکشند ، باید پشت و پوزه ظالمان و ستمگران را به خاک مالید و نسلشان را از روی زمین برچید .

آری بر اینکه عدالت بر کرسی بنشیند ، هرچه سریر ستم آلوده سلطنت را باید واژگون کرد و به دست نابودی سپرد . و این ها همه ، همان معجزه ای است که تنها به دست تو بر می آید و تنها با دست تو محقق می

شود / اما مگر نه این که اینها همه مقدمه است برای رسیدن به بهشتی که تو بانی آنی . آن بهشت را کسی برای ما ترسیم نکرد .

کسی به ما نگفت که آن ساحل امید که در پس این دریای خون نشسته است ، چگونه ساحلی است ؟ کسی به ما نگفت که وقتی تو بیایی : پرندگان در آشیانه های خود جشن می گیرند و ماهیان دریا شادمان می شوند و چشمه ساران می جوشند و زمین چندین برابر محصول خویش را عرضه می کند . به ما نگفتند که وقتی تو بیایی : دل های بندگان را آکنده از عبادت و اطاعت می کنی و عدالت بر همه جا دامن می گسترد و خدا به واسطه تو دروغ را ریشه کن می کند و خوی ستمگری و درندگی را محو می سازد و طوق ذلت بردگی را از گردن خلائق بر می دارد .

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی : ساکنان زمین و آسمان به تو عشق می ورزند ، آسمان بارانش را فرو می فرستد ، زمین گیاهان خود را می رویاند ... و زندگان آرزو می کنند که کاش مردگانشان زنده بودند و عدل و آرامش حقیقی را می دیدند که خداوند چگونه برکاتش را بر اهل زمین فرو می فرستد . به ما نگفتند که وقتی تو بیایی : همه امت به آغوش تو پناه می آورند . همانند زنبوران عسل به ملکه ی خویش .

و تو عدالت را آن چنان که باید و شاید در پهنه جهان می گستری و خفته ای را بیدار نمی کنی و خونی را نمی ریزی . به ما نگفته بودند که وقتی تو بیایی : رفاه و آسایش می آید که نظیر آن پیش از این ، نیامده است . مال و ثروت آن چنان وفور می یابد که هر که نزد تو بیاید فوق تصورش ، دریافت می کند .

به ما نگفتند که وقتی تو بیایی : اموال را چون سیل ، جاری می کنی ، و بخشش های کلان خویش را هرگز شماره نمی کنی . به ما نگفتند که وقتی تو بیایی : هیچ کس فقیر نمی ماند ، مردم به دنبال صدقه دادن به دنبال مستمند

می گردند و پیدا نمی کنند مال را به هرکه عرضه می کنند ، می گوید نیازی ندارم .

ای محبوب از لی وای معشوق آسمانی ! ما بی آن که مختصات آن بهشت موعود را بدانیم و مدینه فاضله حضور تو را بشناسیم تو را دوست می داشتیم و به تو عشق می ورزیدیم . که عشق تو با سرشت های عجیب شده بود و آمدنت طبیعی ترین و شیرین ترین نیاز زمان بود . ظهور تو بی تردید بزرگ ترین جشن عالم خواهد بود و عاقبت جهان را ختم به خیر خواهد کرد .

### ظهور امام زمان عج

طبق روایات ، هرگاه ظلم و ستم فراگیر شود ، امام دوازدهم عج ظهور می کند . این سؤال مطرح می شود :

سؤال اول : آیا ما باید در ترویج ظلم و فساد بکوشیم تا زمینه ظهور ایشان فراهم شود ؟

در جواب باید گفت ، ظهور امام زمان ع از دو طریق ممکن است : یکی از راه فزونی ظلم و ستم و راه دیگر که راه نزدیکتر است آمادگی مردم برای پذیرش حکومت آن حضرت ، اگر تحولی در دنیا وجود آید و مردم دنیا آماده پذیرش آن حکومت شوند ، به یقین حضرت ظاهر می شود . پس این که خیال کنیم برای ظهور آن حضرت تنها راه ، راه افزونی ظلم و فساد است ، در اشتباه هستیم .

حال اگر تنها راه ، آن راه نیست . اگر راه اول یعنی راه فزونی ستم را در نظر بگیریم ، آیا باید ما ظلم و ستم را فزونی بخشیم ؟ در جواب باید گفته شود راه اول راه نامشروع است . اگر دو جاده برای رسیدن به مقصد داشته باشیم یکی راه غصبی و دیگری جاده مباح خوب است کدام جاده را برویم ؟ باید از جاده مباح برویم و رفتن از راه نامشروع جایز نیست .

سؤال ۲ : امام زمان در زمان غیبت در کجا به سر می برند ؟



وجود جزیره خضراء تا چه حد می تواند صحت داشته باشد؟  
 درباره محل زندگی امام زمان عج به طور قطع نمی توانیم صحبت کنیم. می دانیم که ایشان محلی برای زندگی دارند. احتمال دارد امام در طول سال تغییر مکان بدهد البته روایاتی درباره جزیره خضراء وجود دارد، ولی این که محل جزیره خضراء کجاست، کسی نمی تواند به طور قطع پاسخ دهد. مفهوم جزیره خضراء این است «جزیره ای سرسبز و خرم که امام و دوستانش در آن جا زندگی می کنند.» شاید ساکنان دیگری هم داشته باشد که امام را شناسند، پیروان امام را شناسند یا او را فقط به عنوان یک عالم یا یک پیشوا در آن منطقه بشناسند و بقیه اسرار بر آنها مخفی باشد. این که محل جزیره خضراء را بعضی در مثلث برمودا و امثال اینها بیان کرده اند، فقط یک فرضیه و یک نظر است و ما آن را نفی نمی کنیم، چرا که دلیل قطعی وجود ندارد.

سؤال ۳: آیا امام زمان عج ازدواج کرده اند؟

درباره اینکه امام زمان ازدواج کرده اند یا نه، ما معتقد هستیم که ایشان قطعاً ازدواج کرده اند و فرزندان هم دارند، دو دلیل برای این مسأله اقامه می شود:

دلیل اول: این که ازدواج، سنت پیغمبر اسلام (ص) و از سنتهای موکد است. هر مسلمانی باید بالاخره ازدواج کند و از آن جا که امام زمان (ع) احیاء کننده سنت پیغمبر است، نمی تواند سنت ازدواج را زیر پا بگذارد. او احیاگر همه سنن و احکام است. بنابراین، قطعاً خود او به این سنت عمل کرده است.

دلیل دوم: این است که در برخی از روایات و دعاها داریم: سلام ما بر حضرت و ذریه او مضمونش این است که حضرت ازدواج کرده است و فرزندان دارد.

سؤال ۴: یاران حضرت مهدی (عج) ۳۱۳ نفر و مسلماً از پیامبران، ائمه و علما هستند. بنابراین، ما که انتظار فرج را کشیده ایم، از چه گروهی هستیم؟ و چرا در این ۳۱۳ نفر تعداد زنان کم است؟

معروف است «یاران حضرت مهدی (عج) ۳۱۳ نفر هستند» اما در بعضی روایات بیشتر از این آمده است معنای این وجود سلسله مراتب است: یعنی در مرحله اول ۳۱۳ نفر، در مرحله بعدی ۱۰ هزار نفر و در مراحل بعدی، همه علاقه مندان به حضور ایشان در این سلسله مراتب حضور دارند. اگر در مرحله اول تعداد زنان کم است، چه بسا در مراحل دیگر، تعداد آنها بیشتر باشد، بنابراین مشکلی از این نظر نیست.

### حکومت جهان ولی عصر (عج)

موضوع جهانی شدن به یکی از مهمترین دغدغه های فکری عصر حاضر را در حوزه های مختلف سیاسی - فرهنگی، اقتصادی مبدل گردیده است.

با توجه به پاره ای از مشابهت های سطحی ممکن است کسانی در پی یافتن و بدست آوردن ابعاد و ویژگی های مشترکی میان مقوله جهانی شدن و مسأله مهدویت باشد.

آنچه از نظر شما می گذرد بعد از واضح شدن مفهومی (جهانی شدن) وجوه اساسی اختلاف آن را با حکومت جهانی امام مهدی عج آشکار می سازد. و در این جا به موارد بررسی وجودی امام مهدی ع پرداخته می گردد. بطور کلی جهانی شدن را می توان بر آن چیزی خلاصه نمود که دل مشغولی نوع بشر را در مورد محدودیت های سرزمینی و ترتیبات سنتی نظامهای سیاسی و دولتها و کشورها دگرگون می سازد.

و براین اساس جهانی شد به عنوان یک فرآیند زمینه ساز، متفاوت از یکپارچگی جهانی است. یک پارچگی جهانی به وضعیت و شرایطی اطلاق می شود که در تمام آن ۶ میلیارد نفر مردم جهان، با محیط و نقش خود به عنوان

شهر وندان و مصرف کنندگان یا تولیدکنندگان جهانی، ارزشهای مشترکی را دارا بوده، منافع خود را در اقدام جمعی برای مشکلات مشترک خود جستجو می کنند.

جهانی شدن به معنی حذف ملتها نیست. بلکه دارای معنی دشوار شدن هویت سازی جمعی است. جهانی شدن به معنی پایان همبستگی بین المللی است. و آن گونه که بعضی ادعا دارند یا فهم می کنند حرکت به سمت همبستگی نیست.

با توضیحات مفیدی که داده شد و واضح شدن مفهوم نسبی را به همراه داشت حال می پردازیم به مقایسه جهانی شدن با حکومت جهانی ولی عصر عج.

۱- حکومت واحد جهانی ۲- ارزشهای مشترک (دین واحد) ۳- حاکمیت معنویت و بالابردن ارزشهای اخلاقی ۴- عدالت جهانی ۵- امنیت جهانی ۶- دانش فوق العاده.

۱- جهانی شدن در وضعیت فعلی واجد یک محور کانون هدایت کننده رسمی و فراگیر نیست. در حالی که حضرت ولی عصر ع حکومت جهانی برپا خواهند کرد و این تفاوت زیربنائی محسوب می شود. و حکومت جهانی امام ع مرکز هدایت رسمی در امور بشر در سطح جهان است و بر تشکیل حکومت جهانی امام مهدی عج در روایات اسلامی تاکید و تصریح فراوان شده است.

از پیامبر اسلام ص نقل گردیده است که فرمود: سوگند به آن کس که مرا مرده آور راستین قرار داد. اگر از عمر جهان یک روز نماند خداوند همان یک روز را بس دراز دامن کند تا فرزندم مهدی خروج کند و حکومت مهدی به شرق و غرب گیتی برسد. (و يبلغ سلطانه المشرق والمغرب)<sup>۱</sup>

و همان طوری که در بخش پایانی و فرمایش حضرت رسول آمده است حکومت جهانی امام مهدی ع حکومتی فراگیر است.

## ۲- ارزشهای مشترک

جهانی شدن نه تنها تا به حال نتوانسته است ارزشهای مشترکی را ترسیم نماید، بلکه اساساً با هرچه که عنوان دین و ارزش را به همراه داشته باشد بر سر مهر نیست. در حالی که در حکومت جهانی مهدی عج دین اسلام به عنوان دینی فراگیر ارزشهای مشترک و جهان شمولی را در اختیار تمام انسانها قرار می دهد. حکومت جهانی امام زمان واجد دین جهانی و ارزشهای مشترک جهان شمول است. از امام باقر ع نقل شده است که خداوند به دست مهدی ع دین خویش را بر همه دین ها پیروز سازد، اگرچه این را بی دینان نخواهند همان طور که در قرآن کریم نیز بر همین معنا تاکید شده است.

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ<sup>۱</sup>.

## ۳- حاکمیت معنویت و اخلاق

در حالی که دنیای کنونی علیرغم جهانی شدن از بحران معنویت رنج می برد و برای ارزشهای اخلاقی جایگاه شایسته آن را قائل نیست و چه بسا در برخی اوقات تصمیماتی مغایر ارزش های اخلاقی می گیرند و حتی در عرصه هایی همچون سیاست و اقتصاد ارزشهای اخلاقی را مداخله نمی دهند، حکومت جهانی امام مهدی حکومتی است مبتنی بر معنویت، ترویج فضایل اخلاقی و نفی رذایل اخلاقی، این مسأله از آن رو است که امام زمان فقط فرمانروا نیست، بلکه راهنما تربیت کننده و هدایت گر مردم به سوی راستی ها و درستی ها نیز می باشد.

از امام باقر ع نقل شده است که: به هنگام رستاخیز قائم، آن چه هست دوستی و یگانگی است.<sup>۲</sup>

۲- جامع الاحادیث نور

۳- قرآن کریم

۱- الاختصاص ص ۲۴

هرچند این حدیث بر زمینه اقتصادی تأکید دارد و مژده می دهد که افراد دست در جیب یکدیگر خواهند کرد و منعی نخواهند دید اما روشن است که بر مدعای ما نیز دلالت می کند.

#### ۴ - عدالت فراگیر امام مهدی ع

درحالی که برای عدالت در فرایند جهانی شدن و در پروژه جهانی سازی هیچ جایگاهی دیده نشده است، حکومت جهانی مهدی عج مبتنی بر عدالت فردی، سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. در روایات اسلامی آمده است که در حکومت مهدی ع فقر و فقیر وجود نخواهد داشت و این از آن رواست که اموال و امکانات به درستی در میان مردم توزیع می گردد.

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر فرمود به مهدی بشارتتان می دهم. او به هنگام اختلاف مردمان، از میان امت من برانگیخته می شود ساکنان آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. او مال را درست در بین مردم تقسیم می نماید.

شخصی پرسید درست، درست یعنی چه؟ فرمود میان همه مساوی.<sup>۱</sup> در حدیثی دیگر این طور آمده است وَیَسْوِي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ. مهدی، میان مردم، در تقسیم اموال، به مساوات رفتار می کند، به طوری که دیگر نیازمند و محتاجی یافت نمی شود.<sup>۲</sup>

#### هـ امنیت فراگیر امام مهدی عج

درحالی که دنیای فعلی درگیر جنگ و نزاع و ناامنی است درحالی که جوامع امروزی امنیت متاعی است که همگانی نیست، در حکومت جهانی امام مهدی ع امنیت در تمامی ابعاد آن امنیت فردی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و روانی و... برای همه وجود خواهد داشت.

۲- بحارالانوار ج ۵۱ ص ۷۸

۱- بحارالانوار ص ۸۸

آن چه آمد در فرمایشی از امام علی ع نقل شده است : اگر قائم ، رستاخیز کند آسمان چنان که باید باران ببارد و زمین گیاه برویاند . کینه ها از سینه ها بیرون رود حتی حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار ، زن با همه زیب و زیور خویش از عراق درآید و تا شام برود ، نه جایی زمینی بی سبزه بیند و نه درنده ای او را نگران سازد .<sup>۱</sup>

### ع- دانش فراگیر

دانش بشر در عصر جهانی شدن از جهات متعدد محدود است . اولاً این دانش یک بعدی است . یعنی توجه خود را عمدتاً مصروف مادیات کرده است . و از توجه به امور معنوی غافل است . ثانیاً این دانش در اختیار قدرتهای سلطه گر و تولیدکنندگان آن است . و از انتشار و عمومی شدن آن به شدت ممانعت می کنند ، مگر آن گاه که خود دانش پیشرفته تری را در اختیار بگیرند که در این صورت فرمولهای از رده خارج شده را به کشورهای دیگر با قیمتهای گزاف می فروشند . اما در حکومت جهانی امام مهدی ع عقل و دانش بشر شکوفا می گردد و بدون هیچ محدودیتی در دسترس همه انسانها قرار داده می شود . از امام باقر ع نقل شده است که :

قائم ما به هنگام رستاخیز خویش، نیروهای عقلانی توده ها را تمرکز دهد و خردها و دریافتهای خلق را به کمال رساند .<sup>۲</sup>  
در زمان مهدی ، به همه شما حکمت و علم بیاموزند تا آن جا که زنان در خانه ها ، با کتاب و سنت پیامبر قضاوت کنند .<sup>۳</sup>  
گرچه بحث حاضر ظرفیت و تکثیر عناوین دیگر را هم دارا می باشد اما به نظر می رسد آن چه آمد کفایت می نماید .

۲- بحارالانوار ج ۱۰ ص ۱۰۴

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۳۶

۲- بحار ص ۳۵۲ - ج ۵۲

و شاید مهمترین خدمتی که جهانی شدن به اندیشه حکومت امام مهدی عجل می کند این باشد که تمهیدات فکری و روانی لازم را برای جهانی شدن حکومت مهدی فراهم ساخته است .

### تقلید از اسلام شناسان

هر ملتی وجود شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی را مغتنم دانسته و تجلیل از آنان را بر خود لازم می شمارد ، این مسئله در فرهنگ اسلامی اهمیتی مضاعف دارد . چرا که ارزش علم و منزلت عالم در فرهنگ اسلامی غیر قابل توصیف است ، به خصوص اگر کسی عمر خود را در راه معرفت خدا و اسماء و صفات الهی و شریعت و آیین او صرف کرده باشد . علما و دانشمندان به تناسب نوع علم و معرفتشان و گستره خدماتشان به دین خدا و بندگان او از ارج و منزلت بیشتری برخوردارند . تجلیل از علما و اندیشمندان ، تاکید بر اهمیت و منزلت علم و دانش است که راه رشد و تعالی بشر را هموار می سازد .

تقلید از اسلام شناسان وارسته و مجتهدان برجسته تاریخچه ای به درازای تاریخ اسلام دارد . نه تنها مردم به حکم عقل ، که در هر رشته ای باید به متخصص مربوطه مراجعه کرد ، و دستور شرع مقدس که در عصر غیبت باید به سراغ مجتهدان جامع الشرائط رفت و تکالیف شرعی خود را از آنان اخذ نمود . بلکه امر افتاء و تقلید به قبل از آن و عصر حضور امام معصوم ع باز می گردد و به عصری که امام جعفر صادق ع به بعضی از اصحاب خود مانند هشام بن سالم که احکام دین را از آن حضرت آموخته بودند ، سفارش می فرمود : « إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَعَلَيْكُمْ أَنْ تَفْرَعُوا » به عصر امام علی ع که به نماینده خود قشم ابن عباس مرقوم فرمود : « وَاجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرِينَ فَأَفْتِ الْمُسْتَفْتَى وَعَلَّمَ الْجَاهِلَ وَذَكَرَ الْعَالِمَ » و به زمان امام حسین ع که خطاب به رجال و شخصیت‌های علمی و مذهبی زمان خود فرمود : « إِنَّ مَجَارِيَ الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ بِيَدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ ، الْأُمْنَا عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ »

۱- کسانی که تقلید از مجتهد جامع الشرائط را پدیده ای تازه و مربوط به سده اخیر می‌شمارند، و آن را ساخته و پرداخته روحانیان قلمداد می‌کنند، نه تنها از جهل و بی‌خبری خود از تاریخ خبر می‌دهند. مرجعیت شیعه رمز بقای مکتب تشیع در طول تاریخ است.

۲- فقیه جامع الشرائط: از ابتدا دارای سه نشان افتا، قضاوت و ولایت برخوردار بوده و دلایل عقلی و نقلی متعددی بر آن اقامه شده است.

ولی در طول تاریخ به لحاظ حاکمیت حاکمان نالایق دو منصب قضاوت و ولایت از آنان سلب شده، اما شأن افتا با تلاش و مجاهدت و احساس مسئولیت فقیهان وارسته تداوم یافته و میراث گران قدری از آثار ایشان به جای مانده که از افتخارات جهان اسلام و تشیع به شمار می‌رود. البته فقها حتی در ادوار مختلف با وجود دشواری‌ها و تنگناهای فراوان در حد توان و مقدرات خود از دو مسئولیت دیگر نیز غافل نبوده‌اند.

۳- مرجعیت در جهان تشیع: همیشه در کنار مردم و مدافع حقوق آنان بوده است. زجرها، شکنجه‌ها، تبعیدها، زندانها، شهادتها را در راه حفظ دین خدا و دفاع از حقوق توده‌های محروم جامعه در برابر زورگویان، قدرت طلبان و پول پرستان به جان خریده و هیچگاه مردم را در برابر ظلم و بی‌عدالتی حاکمان ستم پیشه تنها نگذاشته است.

صداقت روحانیت و در راس آن مرجعیت با مردم و استقبال از خطرات در مصاف با سرمایه داران از خدا بی‌خبر و قدرت مندان بریده از مردم، موجب شده که مرجعیت همواره پناهگاه محرومان و ستمدیدگان باشد. عشق و علاقه مردم به مراجع عظام تقلید، اعتماد به آنان در مهمترین امر از امور زندگی یعنی دین و شریعت و ایثار و فداکاری در راه اهداف متعالی آنان سرمایه گران سنگی است که نمی‌توان بدیلی برای آن معرفی کرد. نهاد مرجعیت به شهادت تاریخ همیشه ملتها و کشورهای اسلامی را از بند



استعمار و استبداد نجات داده و در این عرصه کارنامه درخشانی از خود به جا نهاده است که در این فرصت حتی مجال ذکر موارد آن هم نیست .

تنها از زمان ناصرالدین شاه و ماجرای نهضت تنباکو و حکم تحریم تنباکو از سوی آیه الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی تاکنون دهها نمونه می توان برای آن ذکر کرد . و اتفاقاً از همان مقطع بود که استعمارگران برای درهم شکستن کانون نفوذ و قدرت مرجعیت ، نقشه ها کشیدند و طرحها ریختند و به اجراء گذاشتند ، ولی به فضل الهی این کانون همچنان با نفوذ و پر قدرت باقی است و در آینده نیز باقی خواهد بود .

حفظ و تقویت این نهاد ارزشمند در جهان تشیع بر همگان فرض است . کسانی که با شعارهایی چون بازسازی دین ، نوگرایی در موردینی ، تحول در حوزه های علمیه و امثال آن ، در جهت تضعیف این نهاد ارزشمند و بسست کردن پیوند عمیق میان مردم و مرجعیت قدم برمی دارند ، اگر خائن نباشند قطعاً غافل و فریب خورده اند . تنها مروری بر آثار و برکات « پیوند مردم و مرجعیت » کافی است تا هرکس به سهم خود در جهت بارورتر کردن این شجره طیبه تلاش کند . خدمات نهاد مرجعیت به اسلام و مسلمین بویژه جهان تشیع می تواند نشانگر بینش عمیق و الهی ائمه اطهار ع در غرس این شجره پاک باشد آنان با تاسیس این جایگاه در حقیقت بقای مکتب تشیع را تضمین کردند، هم در برابر دست اندازی صاحبان قدرت و هم در برابر بدعت گذاری منحرفان و کژاندیشان .

### مهدی عج کیست ؟

مهدی است آن که نهضت قرآن بپا کند

مهدی است آن که نیک و بد از هم جدا کند

مهدی است آن که پرچم توحید پاک را

در قلبهای تیره و آلوده جا کند

مهدی است آن که در شب میلاد او خدا

او را به (مرحبالک عبیدی) ندا کند  
 مهدی است آن که حسن دلارای احمدی  
 از چهره مبارک خود او نما کند  
 مهدی است آن که پرچم اسلام راستین  
 بر قلعه های محکم دشمن بپا کند  
 مهدی است آن که کاخ عظیم ستمگری  
 بایک نهیب خویش دچار فتا کند  
 مهدی است آن که کینه و بغض و نفاق را  
 تبدیل بر محبت و صلح و صفا کند  
 مهدی است آن که چشمه فیاض علم را  
 بر تشنگان دانش و عرفان عطا کند  
 مهدی است آن که از نظری بر جمال او  
 هر دردمند غم زده کسب شفا کند  
 مهدی است آن که مژده فجر طلوع خویش  
 از پایگاه کعبه بگوش آشنا کند  
 مهدی است آن که دولت عدل جهانیش  
 حق عظیم عترت و قرآن ادا کند  
 مهدی است آن که وقت نماز جماعتش  
 عیسی به صد نیاز به او اقتدا کند  
 مهدی است آن که تابش خورشید طلعتش  
 قبر نهان فاطمه را برملا کند

### وجود مقدس امام زمان عج

مساله وجود مقدس امام زمان (عج) که همه ما و شما افتخار سربازی  
 آن حضرت را داریم از مهم ترین مسائل به شمار می آید. اگرچه کارهای

مهمی در این زمینه ، صورت گرفته است ، ولی کارهای مهم تری نیز وجود دارد که باید انجام شود مانند اصل موضوع ولایت پاسخ گویی به شهادت نوشتن کتاب در شرح حال امام زمان عج و ... در هر حال این مساله ، ابعاد مختلفی دارد و شناساندن حقیقت امام زمان ع به مردم از جمله کارهای بسیار مهم و ضروری است .

یکی از کارهای مهم ، زدودن خرافات ، خصوصاً خرافاتی است که در بین عوام مشهور است . گرفتاری ما در جامعه ، از ناحیه دو گروه است : عده ای رسماً خودشان و دیگران را به طرف بی دینی سوق می دهند و همه چیز را انکار می کنند و یا زیر سؤال می برند . در مقابل گروه دیگر ، گرفتار یک سری از امور خرافی شده اند .

به هر حال بعضی از خرافات ، به شدت در حال رواج یافتن است و اینها به اسلام لطمه می زند . در رابطه با امام زمان عج سعی کنید در ابعاد مختلف واقعیتها را با زبان و قلم روز بگوئید و بنویسید . نظرات شخصی خود را ابراز نکنید ، بهترین کتابها و مطالب را مربوط به هرکس و هر زمانی که باشد جمع آوری و بیان کنید .

مسأله امام زمان عج مساله مهمی است و در هر بعد از ابعاد آن ، باید قوی ترین ، استدلالی ترین و زیباترین مطالب را انتخاب و ارائه نمائید سعی کنید یک کتاب با مجموعه بسیار مفید ، در این باره به تحریر درآورید که پاسخ گوی نیازهای همگان باشد .

یکی از مسائل که امروز در جامعه به صورت غیرصحیح جلوه کرده ، مساله ملاقات و دیدار با امام زمان عج است . در این مورد باید به نکاتی چند توجه داشت : ما عقیده داریم که تمام نعمت هائی که به انسان داده می شود به وسیله آن وجود مقدس (سبب متصل بین زمین و آسمان) است . از طرفی زیارت و ملاقات با معصوم ع بسیار خوب و مستحب است ، البته در صورتی

که ممکن باشد . آن چه در ادعیه و زیارت نامه درباره زیارت آن حضرت آمده بیان گر حالت شوق و اشتیاق به آن وجود مقدس است .

نه باید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابان ها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم ، خود آن حضرت نیز فرموده اند: هرکسی ادعای مشاهده نمود بایستی او را تکذیب کنید ، اصلاً ما نیازی به این حرف ها نداریم ، آن چه وظیفه ما و شیعیان و دوست داران آن حضرت است ، اشاعه فرهنگ صحیح « مهدویت » مهدی زیستی و ترویج افکار ائمه ع است . و ما به هر مقامی هم که برسیم بزرگ ترین افتخار ما این است که سرباز امام زمان ع هستیم و نمی توانیم افتخاری بالاتر از این برای خود تصور کنیم .<sup>۱</sup>

این حقیر سالهاست در حوزه علمیه قم ، افتخار شاگردی معظم له را داشته و از فیض پر برکت مرجع عالی قدر شیعه حضور علمی و معنوی استاد ، کمال بهره را برده ام .

### در انتظار مهدی عج

اسماعیل منم ، کعبه از من برافراشت و زمزم به پای من می ریزد ، محمد ص نیای من است ، نخستین و آخرین سطر از نامه ای که من در کنار کعبه ، از فراز منبر فرج پشت به کوهستان غیبت خواهم خواند ، منم مهدی موعود ، قائم و منتظر .

من مهدی ام ، من موعود زمانم ، صاحب عصر ، پرورده دامن نرگس و آورنده عدل خدا . من گریه های شما را می شناسم ، با انتظار شما هر شام دیدار می کنم .

اشک های شما آیندگان من اند ، دلتنگی های من ، گشایش سخت شماست .

۱- صحیفه حوزه ۱۳۸۲ ص ۱۰ : فرمایشات حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی دام ظلّه

من مهدی ام ، من موعود زمانم ، پرورده دامان نرگس و آورنده عدل خدا ، با من از هر آن چه در دل دارید بگوئید ، از گرانی بار انتظار ، من با ندبه های شما می بالم ، تنگنای دل شما آشیانه من است . از دوری و دیری با من بگوئید ، جز من کسی حرف شما را باور نمی کند .

کفشهای مزدک و مانی به پا نکنید ، تن پوش برفکی که از مغان زرتشت است ، شما را نمی زیبد . عربده های حنجره ابتذال شما را از من بیگانه می کند ، رقص بی دست و پای موسیقی اگر از پرده جنسیت و دستگاه شهوت کوک شود ، میان من و شما هزار راه فاصله می اندازد .

نام مرا به سبزه های نوروزتان گره زنید ، تا من نیز از کار فرو بسته شما گره گشایی کنم . آیا دردمندی را می شناسید که از بیم درمان به مرگ پناه برد ؟ چرا از من می گریزید ؟ درد را فراموش کرده اید ؟ یا درمان را از یاد برده اید ؟ من درد شما را می دانم شما نیز درمان خود را بشناسید ، من مهدی صاحب الزمانم .

مژده ای دل نیمه شعبان رسید

بوی عطر یوسف کنعان رسید

عشقبازان طالب دیدار یار

عاشقان ، معشوق را در انتظار

انتظار دیدن صاحب زمان

چون عسل شیرین بود بر عارفان

آن که بر جمله خلائق سرمد است

آن که فرزند ذبیح و احمد است

آن که در پاکی چنان کوثر بود

در عدالت همچنان حیدر بود

وارث موسی و عیسی و ضحی

طالب خون شهید کربلا

آن که دائم در طواف و در صفاست  
 ابن طه ، ابن یاسین ، ابن طور  
 آن دم احیاگر عیسی از اوست  
 نساخدای کشتی نوح است او  
 برتر از یوسف بود اندر جمال  
 یونس و هود و سلیمان نبی  
 ای مدنی برقع و مکی نقاب  
 منتظران را به لب آمد نفس  
 ما همه جسمیم بیا جان تو باش  
 شحنه تویی ، فاطمه تنها چراست ؟  
 بر نظر از راه عنایت کنی  
 جمله مهمات کفایت کنی  
 تا پیش آیات قرآن در حراست  
 معنی تورات و انجیل و زبور  
 و آن یدبضاگر عیسی از اوست  
 مرهم دلهای مجروح است او  
 بهتر از یعقوب باشد در کمال  
 ملتزم اندر رکابش جملگی  
 سایه نشین چند بود آفتاب  
 ای ز تو فریاد ، به فریاد رس  
 ما همه موریم سلیمان تو باش  
 قلب تو داری علم آن جا چراست ؟  
 جمله مهمات کفایت کنی

### تکلیف در عصر غیبت

در این موضوع مورد بحث در عصر غیبت امام زمان عج در قالب پرسش به پنج سؤال و پاسخ آن پرداخته می شود که در عصر حاضر عصر غیبت تکلیف ما چیست ؟

۱- آیا در عصر غیبت ، تکلیف دینی از گردن مردم ساقط است؟

غیبت امام تکلیف دینی را از دوش کسی بر نمی دارد ، بلکه در عصر غیبت ، تکلیف باقی است . هم به دلیل عقل و هم به دلیل نقل و هم به دلیل اعتبار ، چنان چه بزرگان دین بیان کرده اند .

۲- معلم تربیت و مدیر سیاست در عصر غیبت کیست ؟

اگر پاسخ پرسش اول مثبت باشد ، حال باید به دنبال کسی بود که تعلیمات دینی را به تمام و کمال بتواند اجرا کند و آن کسی نیست جز نایب امام . او به جای امام قرار دارد . احیاء و اجرای احکام قرآن و تشکیل دادن جامعه قرآنی به عهده اوست . نایب امام در هر عصر ، عالم بزرگ آن عصر است ، عالم نمونه امام (عالم ربانی) و جامعه همه شرایط لازم .

۳- آیا نیابت ، امری تشریفاتی و به اصطلاح برای خالی نبودن عریضه است ، یا نه ، امری است تشکیلاتی ، پیرامون بقاء ، نگهداری و گسترش دین خدا ؟

نیابت از امام ، یک امر تشریفاتی نیست ، بلکه یک مقام تشکیلاتی است . بنابراین نمی تواند سازمان یافته ، دیمی ، بی نظم و قاعده باشد . بلکه باید اصول لازم در آن رعایت گردد ، و از هرگونه هرچ و مرج ، تعدد مراکز و اختلاف نظر ، که موجب تشتت قدرت مذهبی ، می شود دور باشد .

هرکسی که چند سال درس خوانده و زحمت کشیده و مجتهد شود ، اگر واجد شرایط لازم فقاہت باشد ، فقیه است ، اما زعیم ، رهبر و اقامه کننده سیاست اسلامی نیست . پس این چنین نیست که هرکسی در این مقام قرار گیرد و جمعی را گرد آورد ، می تواند نایب باشد . جامعه تشیع نمی تواند

بهای چند ساله فقه و اصول خواندن و درس خارج گفتن و رساله نوشتن هرکس را به قیمت نابودی موجودیت فرهنگی و میراث خونین و حیثیت اجتماعی خود بپردازد .

رهبری برای نظم سازمان دهی و ایجاد تشکیلات و بقاء و گسترش تشیع ، و هرچه با این هدف معارض باشد ، کنار گذاشته شود .

۴- آیا وظیفه نایب فقط رسیدگی به امور تربیتی است ، یا هم رسیدگی به امور تربیتی و هم سیاسی است ؟

نایب ، هم باید متوجه مصالح فرد باشد ، از راه اشاعه تربیت اسلامی و هم متوجه مصالح جمع ، از راه اقامه سیاست اسلامی ، به ویژه آن که می دانیم میان تربیت و سیاست جدائی نیست .

۵- آیا اطاعت از نایب و امام واجب است ؟

آری ، اطاعت از نایب امام ، واجب است ، زیرا نایب امام در هر عصر ، عالم کامل ربانی جامع آن عصر است و در عصر غیبت ، پیروی از او لازم است . و حرکت در خط او حرکت در خط ائمه معصومین (ع) است و مقابله با او موضع گیری در برابر او ، جبهه گشایی در قبال او و ... همه و همه خروج از خط امامت و قرآن است و خروج از خط نبوت ، خروج از خط دین و توحید است . این دین ماست و تعلیمات ائمه ماست . آن چه از آیات و احادیث ، که اساس دین است ، استفاده می شود این است .

شیخ صدوق کیست ؟

ابوجعفر محمدبن علی ابن بابویه قمی ، ملقب به شیخ صدوق از پیشتازان علم حدیث و از مردان نامی جهان اسلام ، در سال ۳۰۵ هـ . ق چون ستاره ای در آسمان روایت و فقاہت در شهر مقدس قم طلوع کرد . ولادت این عالم فقیه با آغاز نیابت حسین ابن روح سومین نائب خاص امام زمان عجل هم زمان بوده است .



پدر بزرگوار شیخ صدوق ، علی ابن الحسین ابن بابویه قمی ، از فقهای بزرگ اسلام و در زمان امام حسن عسگری ع به علی ابن بابویه نوشته ، وی را با کلماتی چون شیخ معتمد و فقیه خطاب کرده است . این بزرگوار در ایام زندگی پربرکت خویش نزدیک دویست جلد کتاب تالیف کرده است .

عمر با برکت علی ابن بابویه پدر شیخ صدوق ، از پنجاه سال می گذشت و هنوز فرزندی نداشت و بسیار دوست می داشت که خداوند به او فرزند صالحی عنایت کند ، از این رو به حضرت ولی عصر (عج) متوسل شده طی نامه ای به وسیله حسین ابن روح که یکی از نمایندگان خاص امام زمان بود تقاضای دعا کرده تا آن حضرت از خداوند فرزند صالحی برای او بخواهد ولی عصر عج دعا کرده و برای ابن بابویه نوشتند برای تو از خداوند خواستم دو پسر روزیت شود که اهل خیر و برکت باشند. پس از دعای امام زمان بود ، که ابن بابویه صاحب فرزندی شد که نامش را محمد نامید و بعدها عالمی بزرگوار و فقیهی نام آور شد او همان شیخ صدوق است . شیخ صدوق دوران کودکی و آغاز جوانی را در دامان علم و فضیلت و تقوای پدر بزرگوارش علی ابن بابویه سپری کرد . پدری که در اوج علم و فقاہت و شهرت زندگی خود و فرزنداناش را از راه درآمد مغازه ای کوچک در بازار قم و در نهایت زهد و قناعت می گذرانید . شیخ صدوق بیش از بیست سال از دوران پربرکت حیات پدر را درک کرد و در سن ۲۲ یا ۲۳ سالگی بود که دست روزگار ، دامان پر مهر محبت پدر را از او گرفت !

خانواده اصیل و اهل علم شیخ صدوق و پرورش یافتن در دامان پدری فقیه و وارسته از یک سو و تیزهوشی ، زکاوت ، حافظه فوق العاده قوی و استعداد ذاتی او از سوی دیگر موجب گردید در مدتی کوتاه به قله های بلندی از کمالات انسانی دست یابد و در کمتر از ۲۰ سالگی هزاران حدیث و روایت با راویان آن ها را به حافظه بسپارد . خود شیخ صدوق در این باره می فرمود : من به دعای صاحب الامر متولد شدم شاید بتوان گفت یکی از عوامل

موثر در موفقیت صدوق استادان بسیار زیادی است که دیده و از خرمن علوم آن‌ها خوشه‌ها گرفته است.

بعضی از علماء گفته‌اند: تعداد استادان صدوق از دویست نفر متجاوز است. از جمله بزرگانی که صدوق از محضر آنها بهره برده می‌توان به ابوجعفر محمدابن یعقوب کلینی نویسنده کتاب پرارزش اصول کافی اشاره کرد. پس از مرحوم کلینی نویسنده ارزشمند اصول کافی، صدوق از بزرگترین محدثان عصر خود به شمار می‌آید که علاوه بر ضبط و نقل حدیث، در علوم دیگر تبحر داشته و تألیفات بسیاری از خود به جای گذاشته است.

برخلاف شخصیت علمی کلینی که بیشتر از جهت جمع‌آوری، بررسی و نقل حدیث مشهور است، شیخ صدوق در سه زمینه روایت، مباحث، کلام و فقه برجسته و ممتاز بوده است. عالم بزرگوار، تألیفات باارزش بسیاری از خود به جای گذاشت. شیخ طوسی در این باره می‌نویسد او ۳۰۰ کتاب تألیف کرده است. فقها و بزرگان مسلمان، شیخ صدوق را بیشتر با لقب رئیس المحدثین شناخته‌اند. زیرا او در شناخت احادیث، آگاه و در حفظ منابع و جمع‌آوری آنها، تلاش فراوان می‌کرده است. شیخ صدوق احادیث را به تناسب موضوعات مختلف دسته‌بندی و برای هر موضوع، باب جداگانه‌ای باز می‌کرد.

مانند کتاب من لا یحضره الفقیه یا عیون الاخبار الرضا یا کتابهای دیگر، صدوق در هر یک از آنها طبق اختلاف موضوعات و مزایا باب‌های جداگانه‌ای گشوده است. عصر صدوق را باید عصر حدیث نامید. دوره‌ای که با حرکت علمی کلینی آغاز و با تلاش‌های پیگیر و بی‌وقفه صدوق ادامه یافت. شیخ کلینی با این حرکت علمی جدید، مکتب حدیث‌نگاری اهل بیت ع را آغاز کرد و دیگران از جمله شیخ صدوق بنای مستحکم ضبط و نشر حدیث را بر

آن بختیان نهادند. صدوق برای ادامه راهی که کلینی در آن قدم نهاده بود سفرهای علمی بسیاری انجام داد و کوشش های بی شماری کرد.

یکی از رویدادهای بسیار مهم سیاسی و اجتماعی زمان شیخ صدوق که آثار و عواقب آن دامن گیر بشریت گردید، قطع رابطه ظاهری امت اسلامی با امام مسلمانان و فاصله افتادن بین مردم و رهبر معصومشان بود. پس از شهادت امام حسن عسگری در سال ۲۶۰ هـ. غیبت صغرای امام زمان عج آغاز گشت و تا سال ۳۲۹ هـ. ادامه داشت در طی این مدت افرادی بین آن حضرت و مردم به عنوان نائبان خاص، رابطان امام با مردم بوده اند. نواب امام در طول غیبت صغری چهار نفر که از سوی امام عصر ع به این سمت منصوب می شدند.

شیخ صدوق در اوائل نیابت سومین نائب حسین ابن روح در حدود سال ۳۰۵ دیده به جهان گشود، بنابراین تا سن ۲۳ سالگی در زمان غیبت صغری می زیسته و دوران نیابت ۲ نفر از نواب خاص امام زمان را درک کرده است که این خود از عوامل بسیار موثر در پیشرفت و تکامل علمی و خصوصاً معنوی صدوق بوده و توانسته خود را به بلندترین قله های نورانی علم و معنویت برساند. سرانجام شیخ صدوق این عالم بزرگوار پس از گذشت هفتاد و چند سال از عمر شریف و پربرکتش در سال ۳۸۱ هـ. ق از دنیا رفت و در شهر ری دیده از جهان فرو بست. پیکر پاکش در میان غم و اندوه مردمان در نزدیکی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم مدفون گردید. امروزه آرامگاهش به نام ابن بابویه در شهر ری مشهور و قبر منورش زیارتگاه مسلمانان و محل استجابت دعای مومنان است.

### پیامبر ص و امام زمان عج

امام زمان عج آخرین حجت خدا در روی زمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام ص و دوازدهمین امام مسلمانان می باشد. خدای تبارک و تعالی به اراده خود عمر حضرتش را طولانی نمود و آن حضرت از نظر ها پنهان شد تا

در آخر الزمان ظهور کند و جهان را پر از عدل و داد نماید پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. پیامبر اکرم ص: وائمه اطهار به ما خبر داده اند که مهدی موعود زنده و پاینده است تا آن روز که ظاهر گردد و سراسر گیتی را به تصرف در آورده و در آن عدالت را گسترش دهد و کاخهای ستم و ازگون سازد «تا خداوند دین اسلام را بر ادیان عالم پیروز گرداند گرچه بر مشرکان ناگوار آید<sup>۱</sup>». «بار پروردگار را، در ظهورش تعجیل کن و... و ما را از یاوران وفادارش قرار بده...» و چون امام زمان عج در خانه خود از انتظار پنهان، مسلمانان محل غیبت آن حضرت را در سامرا زیارتگاه خود قرار داده اند که اکنون آن جا به سرداب غیبت مشهور است. البته در زمان غیبت امام زمان عج وظایف شیعیان بسیار زیاد است مانند: آشنایی کامل با آن حضرت، انتظار فرج آن بزرگوار و همچنین دعا برای سلامتی و فرج آن حضرت و توسل در شکلات و ناگواری ها به دامان پرفیض آن بزرگوار و دیگر وظایفی که این گنجایش ذکر آن را ندارد.

شیعه: نام آسمانی یکی از نکات قابل توجه این است که کلمه «شیعه» در قرآن آمده است و درباره حضرت ابراهیم ع به کار رفته آن جا که می فرماید: *وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ<sup>۲</sup>* یعنی: و به تحقیق که از شیعیان و پیروان نوح، ابراهیم بود.

و پیامبر گرامی اسلام که سلام خداوند بر او باد نام شیعه را برای پیروان و دوستداران حضرت علی ع انتخاب نمود، چنان چه علمای سنی نیز این مطلب را گفته اند. آری، کلمه «شیعه» این عنوان افتخار آمیز پیروان اهل بیت از لب های مبارک پیامبر ص شنیده شده و نقل گردیده که در این رابطه جابر بن عبدالله می گوید: خدمت پیامبر ص نشستیم بودیم، علی ع از دور نمایان شد، پیامبر ص فرمودند: برادرم آمد، سپس به خانه کعبه توجه

۱ سوره صف آیه ۹

۲ سوره صافات: آیه ۸۳

نمود/دست مبارکش را بر آن گذاشت و فرمود: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، علی و شیعیانش در قیامت رستگارند» و این عنوان و لقب با عظمت در زمان رسول خدا به سلمان، ابوذر، مقداد و عمار که یاران وفادار امیرمؤمنان ع بودند گفته می شد.

### امامت: اولین و آخرین دستور وحی

پیامبر گرامی اسلام ص در غدیر خم در اولین مراسم تبلیغ اسلام، جانشین خود را به حاضران معرفی کرد و در آخرین مراسم تبلیغ اسلام و به حضور دسته جمعی مسلمانان در غدیر خم نیز همان تعیین و انتصاب را بازگو نمود و با مهر تکمیل دین از جانب خدا آن را مزین و آشکار ساخت، در بین این دو واقعه نیز مکرر، در مورد مختلف و مناسبت های متعدد امامت و جانشینی امیر مؤمنان را گوشزد کرد، به گونه ای که جای هیچ گونه شبهه و تردیدی باقی نگذارد.

همچنین احادیث بسیار و متواتری از طریق اهل سنت از پیامبر ص درباره امامان معصوم که هر یک از آنها از جانب خدا به مقام امامت منصوب شده اند رسیده است، گاهی از آنها به عنوان عترت و اهل بیت یاد کرده، گاهی تعداد و شماره آنان را بیان نموده و فرموده است: «امامان بعد از من دوازده نفرند به تعداد نقیبای بنی اسرائیل و حواریون و اطرافیان خاص حضرت عیسی ع». یا فرموده است: امامان بعد از من دوازده نفرند اولشان تو هستی یا علی و آخرشان قائم است که خداوند توسط او شرق و غرب عالم را می گشاید.

از سلمان فارسی نقل شده که بر پیامبر اسلام وارد شدم، دیدم حسین بن علی ع بر روی پاهای مبارکش نشسته بود، پیامبر دیدگان و دهانش را می بوسید و می فرمود: تو بزرگوار و آقایی و فرزند بزرگوار و آقا، تو امام فرزند امام، برادر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا، فرزند حجت خدا و پدر نه حجت خدایی که از نسلت پدید می آیند و نهمی ایشان قائمشان می باشد.

دعا ندبه: نشانه محبت و علاقه به آن حضرت روزهای جمعه بنا بر آنچه در روایات گفته شده متعلق به حضرت ولی عصر عج است ولو آن که هرکس در هر کجا و هر زمان هر چه به او می رسد از برکت وجود مقدس آن حضرت است.

این دعا شریف که مضامین آن یا با آیات قرآن و یا با روایات متواتره مطابق است از صحیح ترین دعاهائی است که در کتب ادعیه ذکر شده است. کسی که دعای ندبه می خواند باید بداند که این دعا به سه بخش تقسیم می شود. اول ابتدا مناجات با خدا و سر سخن بازکردن و گله و شکایت از مردم روزگار نمودن و در ضمن اقرار معارف حقه اسلامی کردن است.

حسین حسین زاده اوره نطنز

حوزه علمیه قم

## فصل چهارم

### تشرف علی بن مهزیار به محضر مقدس ولی عصر عج

جناب علی بن مهزیار یکی از کسانی است که مشرف شد محضر امام زمان عج آرامگاه ایشان در اهواز زیارت گاه عموم مردم است و دارای بقعه و بارگاه، می گوید نوزده سفر همه ساله به مکه مشرف می شدم تا شاید خدمت آقا حضرت ولی عصر ع برسم.

ولی در این سفرها کمتر توفیق به اثر یابی از آن حضرت گردیدم، تا آن که بالاخره ناامید شدم و با خود گفتم که دیگر به مکه نروم.

زمانی که دوستانم به زیارت خانه خدا می رفتند به من گفتند مگر شما امسال به مکه مشرف نمی شوی؟ در جواب دوستانم گفتم امسال گرفتار هستم و قصد رفتن و زیارت خانه خدا را ندارم.

زمانی گذشت شبی در خواب بودم که کسی به من گفت امسال بیا سفرت را تعطیل نکن که به خواست خداوند به مقصدت خواهی رسید.

من خوشحال و آماده سفر شدم وقتی دوستانم مرا دیدند تعجب کرده من هم از این که عقیده ام را تغییر دادم به آنها چیزی نگفتم.

تا این که مشرف خانه خدا شدیم، اعمال حج را انجام دادم و دائما در گوشه ای از مسجد الحرام تنها می نشستم و با خود فکر می کردم.

با خود می گفتم آیا خوابی که دیده ام درست است یا این که خیالاتی خواب

دیده ام.

یک روز که در حال فکر کردن بودم دستی بر شانۀ ام خورد، شخصی به من سلام کرد و گفت اهل کجایی؟ گفتم اهوازی هستم گفت: این خضیب را می‌شناسی؟

گفتم: او از دنیا رفت، گفت مرد خوبی بود به مردم خدمت زیادی می‌کرد خداوند او را مشمول رحمت خود قرار بدهد.

بعد از آن گفت علی بن مهزیار را می‌شناسی؟ در جواب گفتم: بله خودم هستم.

گفت: مرحبا ای پسر مهزیار تو خیلی برای زیارت مولایت حضرت امام زمان ع زحمت کشیدی به تو مژده می‌دهم که در این سفر حضرت را زیارت خواهی کرد با رفقا خداحافظی کن و فردا شب به شعب ابی طالب بیا که من منتظر تو می‌باشم تا تو را خدمت آقا ببرم.

با شوق دیدار به خانه رفتم و اسباب سفر را جمع آوری و با دوستانم خداحافظی کردم و به دوستانم گفتم کاری برای من پیش آمده که باید چند روزی در میان شما نباشم و شب وعده به شعب ابی طالب رفتم دیدم او در گوشه ای در انتظار من ایستاده است. با هم سوار مرکب شدیم و از کوه های عرفات و منی گذشتیم و به کوه های طائف رسیدیم به من گفت پیاده شو تا نماز شب را بخوانیم.

با هم نماز شب خواندیم و سوار شدیم و راه را ادامه دادیم تا طلوع فجر دمید نماز صبح را خواندیم.

من از جای خود حرکت کردم، هوا قدری روشن شده بود، به من گفت حالا بالای تپه چه می‌بینی؟

گفتم: خیمه ای را می‌بینم که تمام صحرا را روشن نموده است. گفت: درست است منزل مقصود همان جا است مولا و محبوب در آن جا است.

گفت برویم. گفتم مرکب را چه کنیم؟ گفت آن‌ها را آزاد بگذار این جا مکان امن و امان است با هم نزدیک خیمه رفتیم به من گفت تو صبر کن و او قبل از



من به داخل خیمه رفت و لحظه ای گذشت که بیرون آمد و گفت خوشا به حالت به تو اجازه ملاقات دادند وارد شو.

من وارد خیمه شدم دیدم آقائی در نهایت جمال خالی بر گونه راست او بود با کمال مهربانی و محبت فراوان از من احوالپرسی کرد و به من گفت پدرم با من عهد کرده که در شهرها منزل نکنم.

تا زمانی که خواست خداوند باشد در کوهها و صحراها بسر می برم تا از شر ستمگران و طاغوت ها محفوظ باشم و از آنها هیچگونه اطاعت نمی کنم تا خداوند اجازه ظهورم را بدهد.

من چند روز میهمان و در خدمت آن حضرت بودم و از علومش بهره مند می شدم تا زمانی که خواستم به وطن برگردم مبلغ پولی داشتم خواستم به عنوان سهم امام تقدیم حضورش نمایم.

فرمود از قبول نکردن پول ناراحت نشوی، چون تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد نیاز تو در سفر خواهد بود.

پس از آن خداحافظی کردم و به طرف اهواز حرکت نمودم و همیشه به یاد بزرگواری و محبت فراوان او هستم و آرزوی دیدن آن حضرت را دارم. و از خداوند می خواهم که مرا از یاران او قرار بدهد.<sup>۱</sup>

### تشریف علامه بحر العلوم (ره)

یکی از کسانی که مشرف شد محضر مقدس امام زمان ع مرحوم علامه بحر العلوم می باشد. ایشان زمانی که در مکه سکونت داشت با آن همه دوری از خویشان و ارادتمندان صاحب بذل و بخشش فراوان بود و در هر حال به فکر فقراء و بیچارگان و آنهایی که محتاج بودند، رسیدگی می نمود و در کمک به طلاب علوم دینی هم شهرت داشت یکی از روزها یکی از همراهان که مدت زیادی با ایشان بودند خبر می دهد که دیگر هیچ پول و اندوخته ای باقی نمانده و باید به فکر خود و دیگران باشیم.

بحرالعلوم در این زمینه پاسخی نداد و بنا بر عادت همیشه این مرد بزرگوار صبح به زیارت خانه کعبه مشرف می شد و پس از طواف خانه خدا در اطاق مخصوص خود به مطالعه و استراحت می پرداخت. و بعد از آن به تدریس علوم و حدیث ادامه می داد.

فردای بعد از آن روز زمانی که از طواف برگشت، ناگهان صدای درآمد او به شدت مضطرب شد و خودش با سرعت هر چه تمام به طرف در شتافت و آن را باز کرد.

شخص بزرگوار که به گونه اعراب بود داخل خانه شد و در اطاق مخصوص بحر العلوم با کمال ادب و کوچکی نشست.

آن دو نفر مشغول صحبت شدند و به بحث مشغول و از هم پرسش و پاسخ می نمودند. وقتی آن بزرگوار بلند شد، بحرالعلوم با عجله در را باز کرد و بر دست ایشان بوسه زد و پس از آن او را بر مرکب سوار کرد.

مهمان رفت و بحرالعلوم برگشت، رنگ چهره اش تغییر کرده بود، در همان حال کاغذی را که در دست داشت به من داد و فرمود این کاغذ را بگیر و در بازار نزد فلان صراف برو که در کوه صفا، دکان دارد ببر و هر چه به تو داد بگیر.

من کاغذ را گرفتم و درست نزد همان شخص بردم، وقتی آن صراف کاغذ را دید بوسید و روی چشمان خود گذاشت و گفت: برو چند نفر باربر بیاور، من هم رفته و چند نفر را آوردم و آن مرد صراف به اندازه ای که آنان قدرت داشتند کیسه ها را پر کرد و برداشته و به منزل رفتیم.

خواستم از این واقعه آگاه شوم یک روز تصمیم گرفتم نزد آن صراف بروم و از احوال او باخبر شوم و از صاحب کاغذ اطلاع حاصل کنم، اما چون به صفا رسیدم مغازه ای ندیدم و از شخصی سؤال کردم در جواب من گفت در این مکان چنین کسی را نداریم، دانستم که این یکی دیگر از اسرار الهی و عنایات و توجهات امام دوازدهم حضرت ولی عصر ع بوده است.

### تشریف مرحوم مقدس اردبیلی (ره)

یکی دیگر از کسانی که مشرف شد به فیض ملاقات حضرت ولی عصر ع و پاسخ اشکالات علمی را از آن وجود مقدس دریافت کرد عالم جلیل القدر مقدس اردبیلی (وفات ۹۹۳) مردی بزرگ که در اثر تقوی و شب زنده داری به مقامی بالا دست یافت که او در قدس و تقوی بی نظیر بود.

مشهور این است که گاهی در مسائل دشوار که برای ایشان پیش می آمده و از آن مسئله عاجز می شد به کنار ضریح امام علی (ع) رفته و از آن حضرت سؤال می نموده و آن حضرت پاسخ می دادند.

یکی از شاگردان خاص آن مرحوم که از فاضل ترین زمان خود بود و بر زندگی استاد آگاه بود این طور می گوید.

یکی از شبها که در صحن مطهر حضرت امام علی (ع) در حالی که نیمه شب گذشته بود و در حال قدم زدن بودم، ناگهان در آن فضای نورانی شخصی را دیدم که به سوی حرم شریف می رود، در صورتی که همه درهای حرم بسته بودند، کنجکاو شدم و دنبال او حرکت نمودم چون به در حرم نزدیک شد قفلها باز شدند و در حرم باز شد. او به هر دری که دست می گذاشت باز می شد.

تا این که با کمال بزرگواری کنار حرم حضرت امام علی (ع) ایستاد و سلام کرد. من جواب سلام او را شنیدم و پس با همان صاحب صدا شروع به صحبت کردم. هنوز از آن گفتگو زمانی نگذشته بود که مرد خارج شد و از شهر بیرون رفت و به سوی مسجد کوفه سرازیر شد من هم او را تعقیب کردم او آن جا در مسجد داخل محراب شد و با کسی گفتگو نمود سخنانش تمام شد از مسجد خارج گردید و به سوی شهر برگشت، نزدیک دروازه نجف که رسید تازه صبح شده بود و مردم آماده عبادت خداوند می شدند، ناگهان عطسه ای کردم آن مرد متوجه من شد برگشت چون به او نگاه کردم دیدم استاد مقدس اردبیلی است.

پس از سلام و انجام مراحل ادب به ایشان عرض کردم که من در طول شب تا حالا همراه شما بوده ام بفرمائید که در حرم مطهر و در محراب مسجد کوفه با چه کسی صحبت می کردید؟

مقدس اردبیلی از من قول گرفتند که راز تا زنده هستم فاش نشود، پس فرمودند: فرزندم گاهی مسائل بر من دشوار می شود و احتیاج به جواب دارم خدمت امام علی(ع) می رسم و جواب را از آن مولا می گیرم.

اما شب گذشته حضرت علی(ع) مرا به سوی حضرت ولی عصر(ع) راهنمایی کرد و فرمود: فرزندم مهدی در مسجد کوفه است او امام زمان شماست نزد او برو و مشکلات را از او بپرس. من به امر آن حضرت داخل مسجد کوفه شدم و از حضرتش که در محراب ایستاده بودند یعنی حضرت امام زمان(ع) پرسیدم.

### مدارج عالیہ علامہ بحر العلوم(ره)

ایشان از کسانی است که مکرر خدمت امام زمان(ع) رسیده کرامات زیادی را علماء نقل کرده اند. محدث قمی(ره) در کتاب رجال، هشت حکایت را در رابطه با کرامات آن بزرگوار و ملاقاتش بطور مکرر به حضور حضرت ولی عصر عج نقل می فرمایند که چنین بر می آید که امام عصر عج به او خیلی علاقه داشته و ایشان را در بغل گرفته و بر سینه خود می فشرده اند... راستی چگونه مشتاقان این طور به صفات ملکوتی پیوند می گیرند که این گونه مدارج عالیہ خود را طی می کنند؟ و چگونه حضرت حجت(ع) آنها را بر سینه خود می فشرد؟

آن روز بر خلاف همیشه علامه را دیدند که در مقابل حرم پاک حضرت امام علی(ع) ایستادند و به جای ذکر و زیارت با صدای دلنشین در حالی که اشک در چشم و شور در دل دارند این شعر را می خوانند: «چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن» بعد که آن بزرگوار جویای علت می شوند، علامه می فرمایند: چون خواستم وارد حرم مطهر بشوم چشمانم به جمال نورانی

حضرت حجت ابن الحسن (ع) افتاد که در بالای قسمت سرنشسته اند و با صدای روح بخش قرآن تلاوت می کنند به محض شنیدن کلمات آن مصرع بر زبانم جاری شد و چون وارد حرم شدم حضرت قرائت را پایان دادند و از حرم بیرون تشریف آوردند.

### مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره)

یکی از فقهای بزرگوار شیعه که در زمان خود شهرت علمی او در جهان اسلام زبان زد خاص و عام بود مرحوم شیخ مرتضی انصاری (ره) (۱۲۸۱ - ۱۲۱۲ هـ. ق) می باشند، ایشان از نسل بزرگواری چون جابر بن عبدالله انصاری می باشد که فرموده اند: خداوند بر جابرتفضل کرد که از سلاله او مردی بیرون آورد که ملت و دین را با علم و تحقیق و زهد و عبادت خویش خدمتها نمود.

شیخ انصاری در مدت رهبری خویش مرجعی بزرگوار برای مردم و نایبی خدمتگزار برای امامش و عاشقی منتظر برای سرورش حضرت حجت بن الحسن ارواحنا فداه بود و نام و یاد حضرت را فراموش نمی نمود.

یکی از شاگردان ایشان نقل می کند که نیمه شبی در کربلا از خانه بیرون آمدم در حالی که کوچه ها تاریک بودند من چراغی برداشته بودم.

از دور شخصی را دیدم وقتی به او نزدیک شدم دیدم استادم شیخ انصاری (ره) می باشد او را شناختم. با مشاهده ایشان بفکر فرورفتم و از خود سؤال کردم آن بزرگوار در این دل شب با چشم ضعیف به کجا می روند؟ از بیم آن که مبادا کسی درصدد آزار او باشد آهسته به دنبال او رفتم، دیدم آمد و در کنار خانه ای ایستاد و در کنار در «زیارت جامعه» را با یک توجه خاصی خواند و داخل آن منزل شد من دیگر او را نمی دیدم اما صدای او را می شنیدم که با کسی سخن می گفت.

ساعتی بعد به حرم مشرف شدم و شیخ را در آن جا دیدم... بعدها داستان آن شب را پرسیدم اصرار زیاد کردم بعد از آن به من فرمودند:

گاهی برای رسیدن به خدمت امام زمان(ع) اجازه پیدا می‌کنم و در کنار آن خانه زیارت جامعه را می‌خوانم چنان چه اجازه بدهند خدمت آن حضرت شرفیاب می‌شوم و مطالب را از آن سرور می‌پرسم و یاری می‌خواهم و برمی‌گردم!! از من خواست تا زنده است این مطلب برای کسی گفته نشود.

### شفا یافتن

شیخ حرعاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه این عالم بزرگوار می‌نویسد در زمانی که ده سال داشتم به مرض سختی مبتلا شدم که همه پزشکان از درمانم عاجز شدند خویشان و دوستانم دور بسترم جمع شدند و برای من گریه می‌کردند و یقین داشتند که از دنیا می‌روم.<sup>۱</sup>

در آن شب ناگهان پیامبر و دوازده امام علیهم السلام را دیدم که دور تا دور من ایستاده‌اند. به آنها سلام کردم و با یکایک آنها مصافحه نمودم و بین من و امام صادق(ع) سخنی مذاکره شد که در خاطر من ماند.

ولی خوب یادم هست که آن حضرت برای من دعا کردند و زمانی که مشغول مصافحه با امام زمان عج بودم گریه کردم ای آقای من، و مولای من می‌ترسم که در این بیماری از دنیا بروم و موفق به آموختن علم و عمل به آن نشوم.

امام زمان ع فرمود نترس از دنیا نمی‌روی خدا تو را شفا می‌دهد و عمر پربرکت و طولانی می‌کنی، آن گاه ظرف آبی که در دست مبارکش بود بمن داد من از آن آب خوردم و بلافاصله شفا یافتم و بطور کلی آن مرض از من برطرف شد و همه بستگان از این موضوع تعجب کردند تا این که قضیه ملاقات و شفا دادن را برای آنها گفتم.

آنها هم سر و صورت مرا می‌بوسیدند همه با هم یا صاحب الزمان می‌گفتند.

بر همه عزیزان و شیعیان لازم است در گرفتاری ها، حوائج اول خدا، پیامبر و معصومین را واسطه قرار داده و از آن بزرگواران طلب حاجت نمایند.

اگر قرار باشد غیبت امام زمان (ع) به خاطر حکمت های خاص الهی باشد، دعا کردن ما برای ظهور چه خاصیتی دارد؟

از طرفی در دعای امام زمان (ع) می خوانیم که خدایا مرا طوری قرار بده که تعجیل آن چه را که توبه تأخیر انداخته ای، از تو نخواهم و تأخیر آن چه را که تو تعجیل آن را خواسته ای، چگونه در دعاها می خواهیم که در ظهور امام زمان (ع) تعجیل فرماید؟

۱- به یقین چنان چه در متن سننوال آمده است، غیبت امام زمان (ع) بر اساس اسباب و حکمت هایی صورت گرفته است که اگر چه به برخی از آنها در روایات مختلف تصریح شده، اما دانستن همه آنها در دوران ظهور آن بزرگوار ممکن نیست.

از این نظر اشکالی ندارد که بگوییم یکی از حکمت های غیبت، دچار ساختن انسان ها به بلایا و مشکلاتی است که باعث روی آوردن مردم به خدا و دعا کردن آنان برای فرج می شود. چنان که در قرآن آمده است: ما انسان ها را به شدائد و سختی های روزگار مبتلا می سازیم، باشد که به درگاه ما تضرع و زاری نمایند و به دعا روی آورند.<sup>۱</sup>

پس دعا برای فرج نه تنها منافاتی با حکمت های غیبت ندارد، بلکه خود می تواند از زمره همین حکمت ها به شمار آید.

۲- دعا برای فرج امام زمان (ع): به عنوان یک وظیفه و تکلیف در عصر غیبت، در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، و بعضی از ائمه بزرگوار، علیهم السلام، به چنین دعا

کردنی امر فرموده اند و حضرت ولی عصر(ع) نیز شیعیان خود را به دعا کردن برای تعجیل فرج فرمان داده اند، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته اند. راستی وقتی امام زمان(ع) می فرماید: برای نزدیک شدن فرج بسیار دعا کنید آیا می توان آن را بی خاصیت خواند؟ و اصولاً آیا تعبد نسبت به تکلیف مجالی برای اصرار بر کشف خواص آن باقی می گذارد.

۳- در تعبیر زیبایی از ناحیه امام زمان(ع) که در ذیل همان فرمان به دعای فراوان برای تعجیل فرج، وارد شده، کثرت دعا به خودی خود فرج و گشایش شیعیان به شمار آمده است.

این فرمان نشان می دهد که خواسته های شیعه چشم انتظار فرج، در سایه «دعا برای فرج» قابل دسترسی است. آن چه را که او در پی ظهور امام زمان(ع)، می تواند به دست آورد. به عبارت دیگر امنیت ایمان، رشد اندیشه، آرامش روحی، کمالات معنوی و بهره های بی پایان دوران پس از ظهور را، به عنایات الهی می تواند در همین دوره غیبت با تکیه دعا برای ظهور کسب نماید و این امر با توجه به قدرت خداوند قابل انکار نیست. زیرا خداوند می فرماید: بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگار من به شما عنایتی نمی فرماید<sup>۱</sup>.

۴- در برخی روایات، دعا برای فرج وسیله ای برای نجات از هلاکت به شمار آمده است، چنان که حضرت امام حسن عسکری(ع)، می فرماید: به خدا فرزندانم را غیبتی است که در آن هیچکس از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسی که خدای عز و جل او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد، و او را نسبت به دعا برای تعجیل فرجش توفیق عنایت فرماید.

بدون شک شرایط سخت دوران غیبت به گونه ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی(ع) نمی توان بر اطاعت و پیروی او باقی



ماند/ و جز با دعا برای نزدیکی فرج نمی توان روح امید را در دل زنده نگه داشت.

۵- از دیدگاه قرآن و روایات، دعا پشتوانه ای برای زندگی و عاملی برای حرکت و پویایی در مسیر خواسته های الهی و وسیله ای برای هم جهت ساختن نیازها و خواسته های بشری با اراده خداوند است.

با چنین نگرشی، دعا برای فرج نوعی تلاش در راستای موانع ظهور به شمار می رود و دعا کننده منتظر با شناختی که از حکمت های غیبت دارد به نوعی خودش را در مسیر از بین بردن عوامل طولانی شدن آن، به جستجو وامی دارد.

دعا کننده برای فرج چون می داند که یکی از عوامل غیبت آماده نبودن شرایط برای حکومت جهانی آن بزرگوار است.

۶- جواب سئوال دوم: آن چه در متن دعای شریف مورد نظر آمده و به احتمال قوی از ناحیه مقدس امام زمان (ع) روایت شده است شامل نکته ای تربیتی و پیامی آموزشی است. که همان تسلیم بودن در برابر خواسته خدای تبارک و تعالی است و این تسلیم بودن هیچگونه منافاتی با دعا کردن ندارد چون دعا خود امری مطلوب است.

پیامبر فرمود: هیچ چیزی نزد خدا گرامی تر از دعا نیست.

۷- اثر دعا در تغییر دادن تقدیرات و قضای الهی، غیر قابل انکار است بطوری که پیامبر فرمود: زیاد دعا کن، زیرا دعا قضای الهی را برمی گرداند، تقدیر الهی را جز دعا چیزی تغییر نمی دهد.

امام صادق (ع) فرمود: خداوند عذابی طولانی به مدت چهار صد سال بر بنی اسرائیل مقرر داشت. هنگامی که عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد تا چهل روز به درگاه خداوند گریه و زاری نمودند. خداوند به حضرت موسی و هارون، وحی فرمود تا آنان را از بلای فرعون برهانند و یکصد و هفتاد سال عذاب را از آنان برداشت.

بدین گونه شما شیعیان نیز اگر چنین ناله و گریه کنید خداوند فرج ما را نزدیک خواهد فرمود، و اما اگر چنین نکنید امر فرج تا نهایت زمان مقرر شده اش به تأخیر خواهد افتاد.

۸ - ظهور مولای ما امام زمان(ع)، از اموری است که در اثر برخی عوامل قابل تقدیم و تأخیر است. از جمله عواملی که باعث تقدیم ظهور و نزدیک شدن فرج می باشد اهتمام مومنین به دعا برای امام زمان(ع)، و درخواست تعجیل فرج او از خداوند قادر متعال است.

۹- در دعا می خوانیم، خدایا مرا بر اطاعت ولی امرت ثابت قدم بدار که از دیدگان مردم نهان داشته ای و به اذن تو از بین آفریدگانت غایب گشتی و امر تو را انتظار می کشد...

خدایا تو خود بدون آن که کسی تو را بیآگاهاند به وقتی که به ولی خود اجازه ظهور و بیرون آمدن از پرده غیبت می کنی و امر او را اصلاح می کنی، آگاه می باشی. پس مرا صبر و اسقامت بر آن عنایت فرما، چرا و چگونه است؟ و چه شده که ولی امر علیه السلام نمی آید با این که دنیا از ظلم و جور پر شده است.

خدایا مرا به گونه ای قرار بده که همه امورم را به تو واگذار نمایم.  
خداوندا در فرج امام زمان تعجیل فرما و او را به نصرت خویش تایید نما.  
الا مسافر صحرا خدا کند که بیایی.

### چگونه با امام زمان ع رابطه برقرار کنیم؟

در این قسمت به چگونگی ارتباط با ولی عصر عج پرداخته می شود امید است مومنین و اهل دل و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت با نماز و زیارت و دعا وقتی حال خوشی پیدا کردند حقیر را از دعای خیر فراموش نکنند. و سلام مرا به پیشگاه مقدس آن حضرت برسانند.

### خواندن دعاء ندبه

اول: خواندن دعاء ندبه از بهترین ، دعاهایی است که نقل شده و خواندن آن در روزهای جمعه و در سایر ایام هم مستحب می باشد و به قصد این که این دعا از دو لب مبارک اهل بیت عصمت و طهارت صادر شده است به یقین رعایت ادب مناجات با آن حضرت را نموده اند و انسان می تواند با امام زمان ع حرف بزند، عشق و علاقه خود را هم می توانیم اظهار کنیم. در این دعا اول مناجات با خدا را با گله کردن از مردم روزگار و در ضمن هم اقرار به دستورات پیامبر و ائمه معصومین می باشد.

وقتی که محبتش زیاد می شود مثل کسی می شود که معشوقش را پیدا کرده و به آن علاقه نشان می دهد.

دوم: در لحظات آخر روز جمعه نماز امام زمان ع خواندن نوعی ارتباط معنوی با آن امام غایب می باشد.

اگر کسی خواست که نماز او با استفاده باشد باید در خواندن مداومت کند و در همان روز ساعتی معین آن را بخواند.

با گفتن صد مرتبه اَيَاكَ نَعْبُدُ وَ اَيَاكَ نَسْتَعِينُ آن چنان با خدا ارتباط برقرار می کند که در قلب او جاگرفته و شیطان را در همه موارد از خود دور می نماید.

سوم: صلوات فرستادن و دنبال آن گفتن و عَجَلْ فَرَجَهُمْ و یکی از بهترین اعمال در زمان غیبت کبری مخصوصاً در ظهور صغری انتظار فرج حضرت بقیه الله (عج) است. و در این مهم شکی نداریم که تا زمانی که آن حضرت ظهور نکند فرجی برای آل محمد نخواهد بود. و در روز جمعه هم در روایات داریم که صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد را سرلوحه کار خود قرار بدهد. روز جمعه همه ما میهمان حضرت هستیم.

چهارم: خواندن زیارت (آل یس) و در هر کجا خوانده شود مخصوصاً در جلسات پرجمعیت انواری دیده می شود که حکایت حضور ایشان در مجلس است.

هر کسی این زیارت را بخواند و سلام کند بر آن امام حتماً جواب را خواهد گرفت. پرسشی راجع به قرب حقیقی شده معنا این است که صفات انسانی و شخصیت معنوی را تقویت نمودن و به سوی کمال رسیدن و از نزدیک درگاه آن حضرت گردیدن است. وقتی انسان معصیت کار باشد و توجه نکند اگر با معصومی ملاقات کند آن امام خواهد گفت دستی که گناهکار است نمی تواند با دست امام زمان خود مسافحه نماید.

و همینطور هر عضوی که مرتکب گناه شده توانایی ندارد که با امام عصر عج ملاقات کند این به هیچ وجه امکان ندارد.

پس شرط مهم در ملاقات با آن امام ع پاکی روح و اخلاص در عمل است که می توان با او که همه ما دیده به انتظارش هستیم روبرو شویم. زیارت آل یس را حتماً بخوانید.

### انتظار برترین عبادت

از جمله موضوعات که در قرآن و روایات به آن اشاره شده انتظار مصلحی را برای جهان داشتن از خداوند است. در روایات، آیه «انتظار بکشید همانا من با شما از منتظرانم»<sup>۱</sup>

و باز در قرآن تکرار شده است. مراقب باشید همانا من هم از مراقبینم.<sup>۲</sup> به انتظار فرج حضرت امام زمان ع، تاویل شده است.

امام صادق(ع) از قول امام علی(ع) فرموده اند، کسی که انتظار فرج دارد مثل کسی است که در راه خداوند خود غوطه ور باشد.

۱. اعراف، قسمتی از آیه ۷۱.

۲. هود، قسمتی از آیه ۹۳.

نظرات جامعه شناس و روان شناسی: انتظار کشیدن مصلح حقیقی بالاترین اهمیت را دارا می باشد. یکی از جامعه شناسان گفته است: اگر شیعه توانسته با این همه تهاجمات و تبلیغ غیرواقعی دشمنان اسلام زنده بماند و هر روز بر عظمت شیعه و ارادتمندانش اضافه شود و سرانجام دنیا را به سوی خود جلب کند برای انتظار فرج است.

معنی انتظار فرج آمادگی است. همانا زمین از آن خدا است. به ارث می دهد به هر که از بندگانش که بخواهد و عاقبت خوش از آن پرهیزکاران است.<sup>۱</sup> بنابراین آیات قرآن به ما می گوید کسی می تواند وارث این زمین شود که عبد شایسته و متقی باشد. و الا کسی که بنده شیطان و هوی و هوس و متجاوز باشد. نه مصداق آیات است و نه در گفته خود صادق اگر بگوید انتظار فرج دارم.

### ائمه علوم پیغمبران را دارا هستند

امام صادق (ع) فرمود: خداوند را دو گونه علم است: ۱- علمی که ملائکه و پیغمبران و رسولان را به آن آگاه ساخته، پس آن چه ملائکه رسولان و پیامبران را به آن آگاه ساخته ما هم می دانیم. ۲- علمی که به خودش اختصاص داده و هر گاه در موضوعی از آن علم حاصل شود ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما هم، عرضه شود.

و فرمود: خدای عزوجل را دو گونه علم است: ۱- علمی که نزد خود اوست و هیچکس از مخلوقش را از آن آگاه نساخته است. ۲- علمی که به سوی ملائکه و رسولانش افکنده، آن چه به سوی ملائکه و رسولانش افکنده، بما رسیده است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: خدای مهربان را دو گونه علم است: ۱- عدم بذل شده ۲- علم نگهداری شده. اما نسبت به علم بذل شده، هر چه ملائکه و

۱. اعراف آیه ۱۲۸ .

۲. اصول کافی، کتاب الحجّه، ص ۳۷۵، ج ۱.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن ، اعراف ، انبیاء ، بنی اسرائیل ، والعصر
  - ۲- نهج البلاغه خطبه ۶۹ و ۷۰
  - ۳- بحار الانوار - جلد ۱۰-۱۳-۱۵-۵۲-۵۳
  - ۴- وسائل الشیعه ۲۰ جلدی و ۲۰ جلدی - شیخ حر عاملی - چاپ تهران
  - ۵- اثبات الهداة - شیخ محمد حر عاملی ، اسلامیه ، ۱۳۵۷ (ش)
  - ۶- اصول کافی جلد ۱ - کتاب الحج - شیخ کلینی
  - ۷- وافی - فیض کاشانی
  - ۸- اکمال الدین - شیخ صدوق
  - ۹- غنیه - شیخ طوسی
  - ۱۰- خلفای عباسی و تاریخ
  - ۱۱- جامع الاحادیث نور - مرحوم آیت الله بروجردی (ره)
  - ۱۲- الاختصاص - شیخ مفید متوفی ۴۱۳ هـ
  - ۱۳- کتب عامه ، صحیح ترمذی ، ابن ماجه ، مسلم بخاری ، مسند احمد بن حنبل
  - ۱۴- وجود مقدس امام زمان عج - فرمایشات حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی دام ظلّه
  - ۱۵- عیون الاخبار - شیخ صدوق
  - ۱۶- من لا یحضره الفقیه - شیخ صدوق
  - ۱۷- سایت مسجد مقدس جمکران
  - ۱۸- ینابیع الموده جلد ۲ ص ۴۵۶ ، سلمان قندوزی
  - ۱۹- الرساله الاولى فی الغیبه ج ۷ ص ۱۲
  - ۲۰- الامام مهدی ع من المهدي الى الظهور - محمد کاظم قزوینی
  - ۲۱- امالی ، شیخ صدوق - متوفی ۳۸۱ هـ
- سایر آثار نویسنده :
- ۱- فلسفه چیست ؟

- ۲- تاریخ خلفای اسلام
- ۳- فقه و فقاہت ؟
- ۴- تاریخچه اعتیاد
- ۵- بانوان ایران
- ۶- اجتهاد ... ؟
- ۷- یوسف در قرآن
- ۸- انسان و سعادت
- ۹- مکتب های جهان
- ۱۰- شناخت امام زمان عج
- ۱۱- تفسیر کوثر جزء ۳۰ قرآن
- ۱۲- اسلام و اجتماع
- ۱۳- نطنزی ام - فرهنگ مردم ۲ جلدی
- ۱۴- ایران و ایرانی
- ۱۵- جهان و علم
- ۱۶- تاریخ قضاوت می کند
- ۱۷- عاشورا در ایران
- ۱۸- شرحی بر سوره یاسین (ص)
- ۱۹- تاریخ پاک معصومین
- ۲۰- اسلام دین جاویدان
- ۲۱- معاد از دیدگاه قرآن
- ۲۲- وظایف مادران
- ۲۳- اخلاقیات برای انسان
- ۲۴- پیامبران در تاریخ
- ۲۵- نقدی بر فلسفه مارکس
- ۲۶- خانواده و سعادت